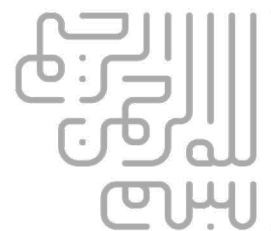


الزامات تحقق نرخ رشد سالیانه ۷ درصد تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری (موضوع ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت)



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
Publish Date : 2026/08/18



عنوان: الزامات تحقق نرخ رشد سالیانه ۷ درصد تعداد هنرجویان هنرستان های هنری (موضوع ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت)
تهیه و تدوین (Author): محمد امین قاسمی پیربلوطی
واژه های کلیدی: آموزش هنر، قانون برنامه هفتم پیشرفت، هنرستان های هنری، پویانمایی، هنرجو
ناشر: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21784>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11819.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: الزامات تحقق نرخ رشد سالیانه ۷ درصد تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری (موضوع ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت)

نوع گزارش: طرح / لایحه □، نظارتی ■، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی □
نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق)
مدیر مطالعه: رضا مستمع

ناظر علمی: موسی بیات

اظهار نظر کنندگان داخل مرکز: محمدصادق عبداللہی، بهادر دژاگه (گروه آموزش و پرورش و فنی و حرفه‌ای)، حسین نصیری، یوسف زراعت‌کیش (گروه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: احمد آقامحمدی (مدیرکل دفتر آموزش متوسطه فنی، حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش)، محمدحسین اسماعیلی (مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، اعظم امینی سردشت (کارشناس دفتر آموزش متوسطه فنی، حرفه‌ای و کاردانش وزارت آموزش و پرورش)، میترا استادقاسم، نسیم پرگل (کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)

گرافیک و صفحه‌آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۴/۰۹/۰۴



فهرست مطالب

۷.....	چکیده.....
۸.....	خلاصه مدیریتی.....
۱۰.....	۱. مقدمه.....
۱۱.....	۲. پیشینه.....
۱۱.....	۲-۱. پیشینه مطالعاتی در مرکز.....
۱۲.....	۲-۲. پیشینه سیاستی و تقنینی به همراه آسیب شناسی.....
۱۴.....	۳. سیمای وضعیت آموزش رشته های هنری هنرستان ها.....
۱۴.....	۳-۱. تعاریف عملیاتی، دامنه بررسی آماری و متغیرهای مداخله گر.....
۱۵.....	۳-۲. روند عملکرد و افق رشد تعداد هنرجویان هنری.....
۱۶.....	۳-۳. بررسی کلان تسهیم هنرجویان زمینه هنر به تفکیک رشته.....
۱۸.....	۳-۴. برش استانی و تحلیل آمایش سرزمینی هنرجویان زمینه هنر.....
۲۰.....	۳-۵. بررسی وضعیت واحدهای آموزشی.....
۲۱.....	۳-۶. عملکرد دستگاه های فعال دیگر و ظرفیت هنرستان های وابسته.....
۲۲.....	۴. سیمای وضعیت آموزش رشته پویانمایی.....
۲۲.....	۴-۱. عملکرد کمی هنرستان ها و افق رشد هدف گذاری شده.....
۲۳.....	۴-۲. ناترازی پراکنش جغرافیایی و ملاحظات آمایش سرزمینی.....
۲۴.....	۴-۳. انطباق وضعیت آموزش با واقعیت های زیست بوم هنر - صنعت پویانمایی.....
۲۵.....	۵. برآورد الزامات تحقق رشد هنرجویان رشته پویانمایی.....
۲۵.....	۵-۱. الزامات کالبدی و تجهیزات فناورانه کلاس های کارگاهی.....
۲۶.....	۵-۲. الزامات نیروی انسانی (هنرآموز و استادکار تخصصی).....
۲۷.....	۶. موانع و چالش های رشد هنرستان های هنری.....
۲۷.....	۶-۱. چالش های حکمرانی: ناهماهنگی نهادی در سیاست گذاری آموزش هنر.....
۲۸.....	۶-۲. چالش های اقتصاد آموزش: موانع تأمین مالی و ضعف مشارکت بخش غیردولتی.....
۲۹.....	۶-۳. چالش های سرمایه انسانی: موانع تقنینی و ساختاری در تأمین و نگهداشت نیروی تخصصی.....
۳۰.....	۶-۴. گسست در مقطع ورودی: نگاه تقلیل گرایانه در نظام هدایت تحصیلی و غفلت از استعدادها.....
۳۰.....	۶-۵. گسست در مسیر ارتقای تحصیلی: مانع کنکور و عدم تناسب در نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی.....
۳۱.....	۶-۶. گسست در مسیر گذار به بازار کار: توقف زنجیره مهارت در برخورد با نظام وظیفه.....
۳۱.....	۶-۷. گسست در مقطع خروجی: موانع اشتغال رسمی و فقدان نظام صلاحیت حرفه ای.....
۳۲.....	۷. جمع بندی و ارائه راهکارهای سیاستی و تقنینی.....
۳۲.....	۷-۱. راهکارهای تقنینی.....
۳۵.....	۷-۲. راهکارهای سیاستی و اجرایی.....
۴۰.....	۷-۳. راهکارهای نظارتی.....
۴۲.....	منابع و مآخذ.....

فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی.....	۱۱
جدول ۲. تحلیل پیشینه سیاستی و تقنینی آموزش هنر در جمهوری اسلامی ایران.....	۱۲
جدول ۳. برآورد تعداد کل هنرجویان هنرستان‌های هنری (زمینه هنر) براساس تکلیف قانون برنامه هفتم پیشرفت.....	۱۵
جدول ۴. روند تغییرات جمعیت هنرجویان زمینه هنر در دسته‌های مختلف رشته‌های فعال از سال ۱۳۹۹ تاکنون.....	۱۷
جدول ۵. آمار هنرجویان هنری ورشته پویانمایی به تفکیک استان در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ (به ترتیب جمعیت کل).....	۱۸
جدول ۶. آمار تفکیکی انواع واحدهای آموزشی فعال در زمینه هنر در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴.....	۲۰
جدول ۷. آمار تقاطع «نوع اداره» با «محل مدرسه» واحدهای آموزشی فعال در زمینه هنر در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴.....	۲۰
جدول ۸. نمای مقایسه‌ای عملکرد دستگاه‌های دارای هنرستان‌های هنری در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴.....	۲۱
جدول ۹. برآورد تعداد هنرجویان رشته پویانمایی براساس تکلیف قانون برنامه هفتم پیشرفت.....	۲۳

الزامات تحقق نرخ رشد سالیانه ۷ درصد تعداد هنرجویان هنرستان های هنری (موضوع ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت)

چکیده



ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت، رشد سالیانه ۷ درصدی هنرجویان هنرستان های هنری و جهش ۲۵ درصدی رشته پویانمایی را هدف گذاری کرده است. بررسی ها نشان می دهد به رغم رشد اولیه، توسعه آموزش هنر با تمرکز بر رشته های ارزان قیمت و غلبه ۸۷ درصدی دختران همراه بوده و توسعه رشته های سرمایه بر نظیر پویانمایی (با بر آورد نیاز به حداقل ۲۳۰۰ میلیارد تومان سخت افزار و ۱۹۴۴ هنرآموز تخصصی) با محدودیت های جدی مواجه است. این گزارش نشان می دهد نظام آموزش مهارتی با چهار کلان چالش ساختاری روبه روست: «ناهماهنگی در سیاست گذاری آموزش هنر»، «موانع دیوان سالارانه در اقتصاد آموزش (نظیر کم بر آوردی و انحراف اعتبارات مربوط به برون سپاری و چالش اسقاط تجهیزات)»، «عدم انعطاف قوانین استخدامی در جذب نخبگان مهارتی» و «گسست های متوالی در زنجیره ارزش (از نگاه تقلیل گرایانه در هدایت تحصیلی و غفلت از ظرفیت سمپاد، تا موانع کنکور و خلأ نظام صلاحیت حرفه ای)». برای عبور از این موانع، تغییر ریل سیاست گذاری از تصدی گری دولتی به «مداخلات هوشمند تنظیم گرانه» الزامی است. در این راستا، راهکارهای کلیدی عبارتند از: نشان دار کردن اعتبارات «برون سپاری مهارتی» با هدف حمایت از رشته های فناوری محور، تدوین بسته تشویقی جهت ترغیب بخش خصوصی به تأسیس هنرستان های جوار صنعت و نیز ایجاد استثنا جهت استقرار الگوی «استاد کار دوشغله». همچنین در تکمیل زنجیره ارزش، متناسب سازی هدایت تحصیلی و ورود به آموزش عالی مبتنی بر ارزیابی «نمونه کار»، توسعه امریه مهارتی و استقرار الگوی «آموزش همراه با تولید» جهت اتصال بوم پایه آموزش به اقتصاد صنایع فرهنگی و خلاق پیشنهاد می شود.

خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت، با هدف گذاری رشد متوسط سالیانه ۷ درصد برای کل هنرجویان هنرستان‌های هنری و جهش ۲۵ درصدی رشته پویانمایی، توسعه آموزش هنر را به یکی از اولویت‌های راهبردی سیاستگذاری فرهنگی و توسعه صنایع خلاق تبدیل کرده است. این اهداف، پیوندی ساختاری با دیگر تکالیف برنامه هفتم (نظیر تولید ۷۳۰۰ ساعت پویانمایی) دارد و نیازمند تربیت شتابان و هدفمند نیروی انسانی ماهر متناسب با اقتصاد هنر رقومی است.

مسئله اصلی، تقاطع این اهداف با واقعیت‌های متصلب زیرساختی، بودجه‌ای و نهادی آموزش رسمی است. پایش عملکرد دستگاه‌های متولی نشان می‌دهد به رغم جهش در سال نخست، نظام آموزشی به سرعت با سقف ظرفیت‌ها برخورد کرده است؛ به نحوی که شتاب رشد کل هنرجویان هنر از ۱۴/۹ درصد به ۴/۳ درصد در سال دوم سقوط کرده و نرخ رشد رشته پویانمایی نیز با ثبت ۱۰/۸ درصد، انحرافی ۱۴/۲ درصدی از هدف گذاری ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد.

تحلیل وضعیت موجود، از ناترازی‌هایی نظیر زنانه شدن شدید آموزش هنر (سهم ۸۷/۷ درصدی دختران)، تمرکز توسعه بر رشته‌های هنری ارزان قیمت و سهم اندک ۱۲/۶ درصدی بخش غیردولتی پرده برمی‌دارد. برآورد الزامات کالبدی و انسانی رشد در رشته پویانمایی (مورد تأکید برنامه هفتم)، ابعاد کاستی‌ها را روشن‌تر می‌سازد؛ به طوری که توسعه کارگاه‌های استاندارد پویانمایی تا پایان برنامه نیازمند اعتباری بالغ بر ۲۳۰۰ میلیارد تومان (حداقل ۶ میلیارد تومان برای هر رشته محل) و جذب ۱۹۴۴ هنرآموز تخصصی است.

بنابراین، مسئله محوری گزارش این است که در شرایط محدودیت بودجه و ناتوانی تصدی‌گری صرف دولتی در تأمین تجهیزات سرمایه‌ای و استادکاران بازار محور، الزامات تحقق این اهداف کمی چیست و چه گره‌گشایی‌های سیاستی، تقنینی و اجرایی باید برای عبور از خطر «تحقق نیافتگی» یا «توسعه کمی اما بی کیفیت» هنرستان‌ها اعمال شود؟

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

تحلیل داده‌ها و ارزیابی وضعیت موجود نشان می‌دهد ریشه عدم تحقق اهداف مذکور، فراتر از کمبود اعتبارات فیزیکی، در شبکه‌ای درهم تنیده از موانع ساختاری و فرایندی نهفته است که در چهار کلان‌روند زیر صورت‌بندی می‌شوند:

۱ **چالش‌های حکمرانی و تشکلت نهادی:** انفعال نهادهای تنظیمگر (به ویژه شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی) در ایجاد هماهنگی میان متولیان آموزش هنر (وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و حوزه هنری)، به موازی کاری، توسعه نامتوازن جغرافیایی بدون توجه به آمایش صنایع خلاق و ناپایداری مالی در هنرستان‌های وابسته منجر شده است.

۲ **موانع دیوان سالارانه در اقتصاد آموزش:** فقدان مشوق‌های شفاف برای مشارکت بخش خصوصی در راه‌اندازی کارگاه‌های پرهزینه، بار مالی را بر دوش دولت انداخته است. هم‌زمان، انحراف ظرفیت‌های موجود موجب شده است بودجه محدود «برون‌سپاری مهارتی» عمده‌تاً صرف رشته‌های کم‌هزینه‌تر شود و سهم رشته‌های سرمایه‌بر نظیر پویانمایی ناچیز باشد. همچنین الزام ماده (۱۱۲) قانون محاسبات عمومی کشور، با دشوار کردن فرایند وصول درآمدهای حاصل از فروش اموال دولتی، چرخه نوسازی تجهیزات فناورانه کارگاه‌ها را کند کرده است.

۳ **عدم انعطاف قوانین در تأمین و نگهداشت نیروی انسانی:** ساختار غیر منعطف قانونی (از جمله طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان و ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری) با تأکید بر «مدارک دانشگاهی نظری»، مسیر جذب نخبگان مهارتی فاقد مدرک و استخدام فارغ‌التحصیلان هنرستان را دچار چالش کرده است. موانع برون‌سپاری نیز امکان بهره‌گیری رقابتی از استادان و هنرمندان فعال در مراکز خلاق را سلب کرده است.

۴ گسست های پیاپی در زنجیره ارزش مهارت: در «نقطه ورود»، نگاه تقلیل گرایانه در هدایت تحصیلی و غفلت از ظرفیت نخبگانی سمپاد مشهود است؛ در «ارتقای تحصیلی»، سازوکارهای نامتناسب ورود به آموزش عالی، مانع رقابت استعداد های مهارتی می شود و در نهایت، در «مقطع خروجی»، فقدان نظام صلاحیت حرفه ای مبتنی بر ارزیابی «نمونه کار (پورتفولیو)»، به چالش های اشتغال رسمی هنرجویان و بهره گیری از نیروی کار تخصصی دامن زده است.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

عبور از موانع یاد شده و تحقق الزامات برنامه هفتم در زمینه آموزش هنر، نیازمند تغییر ریل از رویکرد «توسعه کالبدی و تصدی گری دولتی» به سمت اعمال «مداخلات هوشمند تنظیمگرانه، تسهیلگرانه و تقنینی» است. اهم این راهکارها در سه سطح منسجم پیشنهاد می شوند:

۱ تقنینی و بودجه ای

● **صیانت از بودجه برون سپاری:** نشان دار کردن درصد مشخصی از اعتبارات ردیف بودجه ای برون سپاری مهارتی (ردیف ۱۲۷۵۹۳ قانون بودجه سنواتی) منحصراً برای صنایع فرهنگی و خلاق، تعیین «سرانه متمایز مهارتی» متناسب با هزینه های استهلاک تجهیزات استودیوها، و لغو الزام به داشتن مجوز آموزشگاه آزاد برای عقد قرارداد با استودیوهای میزبان.

● **بسته تشویقی مشارکت خصوصی:** عملیاتی سازی اعتبار مالیاتی معادل ۱۰۰ درصد هزینه کرد شرکت ها در ساخت هنرستان های جوار (طبق ماده (۱۱) «[قانون جهش تولید دانش بنیان](#)»)، معافیت گمرکی واردات ایستگاه های کاری و تخصیص تسهیلات، و تسهیل واگذاری اراضی با اجاره بهای ترجیحی.

● **تسهیل قوانین مالی و استخدامی:** مستثنا شدن فروش سخت افزارهای مستهلک هنرستان ها از ماده (۱۱۲) قانون محاسبات عمومی برای اختصاص فوری در آمد حاصله به نوسازی تجهیزات همان هنرستان، ایجاد استثنا بر مواد (۱۷)، (۴۲) و (۴۷) [قانون مدیریت خدمات کشوری](#) به منظور جایگزینی «گواهینامه صلاحیت حرفه ای و نمونه کار» به جای مدرک دانشگاهی برای استخدام، و استقرار الگوی «استادکار مهارتی دوشغله» با تعرفه های متمایز و رقابتی.

۲ سیاستی و اجرایی

● **یکپارچگی نهادی و جذب نخبگان:** تمرکز راهبری و تقسیم کار ملی در آموزش هنر با فعال سازی ظرفیت «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی» و اصلاح «طرح طبقه بندی مشاغل معلمان» به منظور استخدام رسمی نخبگان مهارتی بر پایه ارزیابی نمونه کار.

● **ترمیم گسست های زنجیره ارزش:** بازطراحی نظام هدایت تحصیلی با جایگزینی «سنجش عملی خلاقیت» به جای معدل گرایی و ممنوعیت هدایت سرریزی، تأسیس «سمپاد مهارتی» ویژه نخبگان فناوری های نرم، و متناسب سازی مسیر دانشگاه با افزایش ضریب آزمون متمرکز عملی و تعیین حدنصاب مهارتی.

● **حفظ سرمایه انسانی و اتصال به بازار کار:** اصلاح دستورالعمل های نظام وظیفه جهت توسعه «امریه مهارتی» در قالب الگوی «سرباز- ماهر/فناور» در همه رشته ها، استقرار چارچوب صلاحیت حرفه ای ملی مبتنی بر ارزیابی نمونه کار برای رفع موانع اشتغال و بیمه هنرمندان آزادکار، و اجرای الگوی «آموزش همراه با تولید» از طریق اختصاص سهمیه تولیدات نهادهای دولتی و حاکمیتی به هنرستان ها و برگزاری رویدادهای جذب سرمایه.

۳ نظارتی

● **تغییر شاخص های ارزیابی:** گذار نهادهای ناظر از پایش سنتی (صرفاً شمارش فیزیکی هنرستان های احداث شده) به ارزیابی «توسعه شبکه ای» (استقرار تجهیزات پیشرفته در قطب های تخصصی و ایجاد دسترسی برای استعداد های مناطق محروم با اتصال به این قطب ها).

● **ارتقای حسابرسی عملکرد:** نظارت دقیق دیوان محاسبات بر اعتبارات تخصیص یافته به «تجهیز کارگاه ها» و «برون سپاری مهارتی» به منظور جلوگیری از انحراف این اعتبارات توسعه ای و صرف آنها برای پرداخت حقوق کارکنان، هزینه های جاری یا تسویه دیون ستادی.



۱. مقدمه

در ماده (۷۴) قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، به صورت صریح و کمی به موضوع رشد و گسترش آموزش هنر در سطح هنرستان‌های هنری پرداخته شده است. مطابق جدول شماره (۱۶) این قانون و در راستای «ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه»، نرخ رشد متوسط سالیانه ۷ درصد برای کل هنرجویان هنرستان‌های هنری و به طور خاص نرخ رشد متوسط سالیانه ۲۵ درصد برای هنرجویان رشته پویانمایی به عنوان یکی از سنجه‌های عملکردی ذیل این ماده، تعیین شده است.

تصریح این اهداف کمی، از یک سو نشان‌دهنده توجه بیشتر به جایگاه آموزش هنر در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی کشور و از سوی دیگر بیانگر انتظار قانونگذار برای ایفای نقش مؤثر هنرستان‌های هنری در تربیت نیروی انسانی خلاق، مهارتی و متناسب با نیازهای نوپدید فرهنگی و صنایع خلاق است. تأکید ویژه بر رشته پویانمایی نیز حاکی از توجه قانون برنامه هفتم پیشرفت به ظرفیت‌های هویتی، تربیتی، رسانه‌ای و اقتصادی این حوزه و نقش آن در زنجیره ارزش صنایع فرهنگی و خلاق است. به طوری که پیوند این حکم با دیگر احکام مصرح در ماده (۷۴) (افزایش تولید پویانمایی ویژه کودک و نوجوان به میزان ۷۳۰۰ ساعت تا پایان برنامه) و نیز بند «پ» ماده (۷۶) (حمایت گمرکی و ارائه تسهیلات برای ورود تجهیزات تولید پویانمایی، ارائه تسهیلات بلندمدت صندوق نوآوری و شکوفایی و ایجاد پارک‌ها و کارخانه‌های نوآوری برای حوزه پویانمایی)، نمایانگر توجهی چندجانبه به حوزه راهبردی پویانمایی و لحاظ حلقه‌های مختلف زنجیره ارزش این زیست‌بوم در حال رشد است.

باین حال، قانونگذاری در این زمینه صرفاً نقطه شروع و زمینه‌ساز مسیر رشد آموزش هنر در کشور است. نرخ رشد ۷ درصدی سالیانه در تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری، به ویژه در شرایط محدودیت‌های مالی، زیرساختی و نهادی موجود، مستلزم فراهم شدن مجموعه‌ای از الزامات کمی، بودجه‌ای، نیروی انسانی، آمایشی و حکمرانی است که در صورت عدم پیش‌بینی و تأمین آنها، هدف‌گذاری قانونی با خطر تحقق نیافتگی یا تحقق صوری مواجه خواهد شد. این ملاحظه درباره هدف رشد ۲۵ درصدی هنرجویان پویانمایی به مراتب جدی‌تر است؛ چراکه گسترش کمی و کیفی این رشته نیازمند زیرساخت‌های تخصصی، تجهیزات فناورانه، هنرآموزان ماهر، پیوند مؤثر با زیست‌بوم تولیدات رسانه‌ای و رقومی و مهم‌تر از همه، بازار کار و اقتصاد هنر است.

بنابراین، مسئله اصلی گزارش این است که الزامات تحقق اهداف کمی مقرر در ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت در زمینه رشد هنرجویان هنرستان‌های هنری چیست و چه تمهیدات سیاستی و تقنینی باید برای عملیاتی شدن آنها اندیشیده شود؟ پاسخ به این مسئله، مستلزم شناخت دقیق وضعیت موجود هنرستان‌های هنری، برآورد واقع‌بینانه نیازهای کمی و بودجه‌ای، شناسایی موانع ساختاری و نهادی و در نهایت ارائه بسته‌ای منسجم از راهکارهای اجرایی و پیشنهادهای تقنینی است. بر همین اساس، گزارش حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی و سیاست‌محور، ضمن تبیین ابعاد مختلف تکلیف قانونی مذکور، مسیرهای ممکن برای تحقق رشد هدف‌گذاری شده در تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری - با تأکید بر رشته پویانمایی - را بررسی کند.



۲-۱. پیشینه مطالعاتی در مرکز

بنابر جست و جوی صورت گرفته، مرتبط ترین گزارش های کارشناسی منتشر شده در مرکز پژوهش های مجلس و پیوند آنها با مسئله گزارش حاضر عبارت اند از:

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	تاریخ انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر	یافته های کلیدی
۱	ارزیابی وضعیت پویانمایی در کشور (ارائه بسته سیاستی در جهت رفع چالش ها)	۱۴۰۱/۶/۵	۱۸۳۸۱	مطالعات فرهنگی و آموزش	بدنه آموزش پویانمایی کشور کوچک، محدود و ناهماهنگ با نیازهای حرفه ای است و عمده نیروی انسانی از مسیر آموزش عالی تأمین می شود.
۲	آسیب شناسی آموزش های فنی و حرفه ای دوره دوم متوسطه (هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش)	۱۴۰۱/۱۲/۳	۱۸۸۰۷	مطالعات فرهنگی و آموزش	هنرستان ها با کمبود ظرفیت، ضعف زیرساخت و تجهیزات، کمبود هنرآموز و ناکارآمدی نظام تربیت نیروی انسانی مواجه اند. این آسیب ها به طور مستقیم مانعی برای افزایش ظرفیت پذیرش هنرجو محسوب می شوند.
۳	آسیب شناسی هنرستان های جوار صنعت و کارخانه و ارائه راهکارهای اصلاحی (در راستای اجرایی سازی بند «ث» ماده (۸۹) قانون برنامه هفتم پیشرفت)	۱۴۰۴/۷/۲	۲۰۹۹۱	مطالعات فرهنگی و آموزش	توسعه هنرستان های جوار صنعت با موانع حقوقی، انگیزشی و برنامه ای روبه رو است و پیوند آموزش با محیط واقعی کار به درستی نهادینه نشده است.
۴	ارزیابی عملکرد برنامه هفتم پیشرفت تا پایان شهریور ۱۴۰۴: فصل ۱۵ - ارتقای فرهنگ عمومی و رسانه	۱۴۰۴/۷/۱۹	۲۱۰۵۶	مطالعات فرهنگی و آموزش	ارزیابی عملکرد سال نخست اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت نشان می دهد اگرچه رشد کلی هنرجویان هنرستان های هنری متناسب با روند طبیعی محقق شده، هدف گذاری خاص پویانمایی تحقق نیافته است.
۵	نیازهای کمی و کیفی تحصیل حداقل ۵۰ درصد دانش آموزان دوره دوم متوسطه در رشته های فنی و حرفه ای و کار دانش (موضوع ماده (۸۷) قانون برنامه هفتم پیشرفت)	۱۴۰۴/۱۱/۱۴	۲۱۳۱۳	مطالعات فرهنگی و آموزش	تحقق اهداف کمی مدنظر، مستلزم توسعه همزمان زیرساخت، نیروی انسانی و منابع مالی است. شکاف جنسیتی و ضرورت انطباق رشته ها با بازار کار نشان می دهد تحقق هرگونه رشد در این زمینه، بدون برنامه ریزی فضایی، تأمین منابع و بازنگری رشته ها امکان پذیر نخواهد بود.
۶	ارزیابی روند تولید پویانمایی در کشور؛ الزامات تحقق اهداف ماده (۷۴) و بند «پ» ماده (۷۶) قانون برنامه هفتم پیشرفت	۱۴۰۵/۲/۱۵	۲۱۴۸۰	مطالعات فرهنگی و آموزش	باوجود رشد چشمگیر فروش سینمایی و ظرفیت حدود ۲۰۰۰ نفری استودیوهای پویانمایی، تحقق تولید ۷۳۰۰ ساعت پویانمایی در برنامه هفتم، با چالش های پراکندگی منابع، فقدان تأمین مالی پایدار، مهاجرت نیروی متخصص و ضعف همگرایی استودیوها مواجه است و نیازمند توسعه منابع انسانی و حمایت از سکویای توزیع داخلی است.

مأخذ: یافته های پژوهش.



تحلیل پیشینه پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که سیاستگذاری برای آموزش‌های مهارتی و هنری از مرحله آسیب‌شناسی عمومی عبور کرده و به ضرورت مداخلات دقیق و کمی رسیده است. گزارش‌های پیشین مرکز بر این واقعیت تأکید دارند که زیرساخت‌های فعلی هنرستان‌ها (اعم از فضای کالبدی و نیروی آموزشی)، پاسخ‌گوی جهش‌های کمی پیش‌بینی شده در اسناد بالادستی نیستند. این مطالعات هشدار می‌دهند که فرسودگی تجهیزات، ناکارآمدی نظام تربیت هنرآموز و ناهماهنگی آموزش با نیازهای حرفه‌ای، تحقق اهداف این حوزه را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. در حوزه راهبردی پویانمایی نیز یافته‌های پیشین حکایت از آن دارند که به‌رغم رشد نسبی و طبیعی در دیگر رشته‌های هنری، هدف‌گذاری رشد در این حوزه به‌دلیل فقدان سازوکارهای اجرایی متمرکز و کوچک بودن بدنه آموزش پویانمایی در مقاطع هنرستانی محقق نشده است. افزون‌بر این، برخی موانع حقوقی و انگیزشی در مسیر توسعه هنرستان‌های جوار صنعت و کارخانه، عملاً شکافی پررنگ میان اهداف [قانون برنامه هفتم پیشرفت](#) و واقعیت‌های اجرایی ایجاد کرده است. این شکاف بیانگر آن است که برای عبور از وضعیت کنونی، صرفاً شناسایی چالش‌ها کافی نیست و نیازمند تدوین نقشه‌ای دقیق از الزامات کالبدی، نیروی انسانی و منابع مالی است.

همچنین مرور ادبیات پژوهشی مرکز نشان می‌دهد که مطالعات پیشین، یا عمدتاً بر «سمت عرضه» در نظام آموزشی (نظیر تأمین فضا، تجهیزات و آموزگار) متمرکز بوده‌اند یا بر چالش‌های سمت «تولید و بازار» (نظیر مهاجرت متخصصان و فقدان سرمایه پایدار) تأکید داشته‌اند. خلأ مشهود در این میان، فقدان پیوند زیست‌بنیان و بوم‌پایه (ارگانیک) میان این دو بخش است؛ یعنی فقدان تحلیلی که نشان دهد چگونه توسعه کمی هنرستان‌ها (سمت عرضه و آموزش) باید با کشش بازار کار، اقتصاد فرهنگ و راهبردهای رشد صنایع فرهنگی و خلاق (سمت تقاضا) همسو شود. از این رو، گزارش حاضر تلاش می‌کند الزامات رشد هنرستان‌ها را نه در یک فضای آموزشی گلخانه‌ای و مجزا، بلکه به‌عنوان پیش‌نیاز و حلقه مکمل زنجیره ارزش اقتصاد هنر و تولید محتوای بومی ارزیابی کند.

۲-۲. پیشینه سیاستی و تقنینی به‌همراه آسیب‌شناسی

در این بخش، اسناد و مصوبه‌هایی بررسی شده‌اند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در سطوح کلان یا خرد به حوزه آموزش هنر و هنرستان‌های هنری مربوط می‌شوند.

جدول ۲. تحلیل پیشینه سیاستی و تقنینی آموزش هنر در جمهوری اسلامی ایران

ردیف	عنوان مصوبه	مرجع تصویب	تاریخ تصویب	نکات برجسته
۱	اساسنامه هنرستان‌های هنرهای تجسمی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۶۳/۱/۱۵	این اساسنامه، به‌ویژه در مواد (۱)، (۲)، (۳) و (۴)، چارچوب حقوقی صریحی برای تربیت نیروی انسانی ماهر هنری، گسترش آموزش رایگان هنر و تعیین رشته‌های تخصصی هنرستانی ارائه می‌کند. این اساسنامه، مبنای نهادی و اجرایی گسترش کمی بخشی از هنرستان‌های هنری است، اما قدمت آن و محدود بودن دامنه رشته‌ها، لزوم بازنگری و به‌روزرسانی آن را ایجاب می‌کند.
۲	اساسنامه هنرستان‌های سرود و آهنگ‌های انقلابی (موسیقی)	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۶۳/۱/۱۵	این اساسنامه، به‌ویژه در مواد (۱)، (۵) و (۱۰)، چارچوب حقوقی مشخصی برای تأسیس هنرستان‌های تخصصی موسیقی، پرورش استعدادها و هنری و آموزش رایگان در مقطع متوسطه فراهم می‌کند و نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در آموزش رسمی هنر تصریح می‌نماید.
۳	قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۵/۱۲/۱۲	براساس بند «۴» ماده (۱) و بند «۱۲» ماده (۲) این قانون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی رواج فرهنگ و هنر و پرورش استعدادها و فرهنگی و هنری است. این احکام، مبنای عام نقش حمایتی و سیاستگذارانه این وزارتخانه در تربیت نیروی انسانی هنری را فراهم می‌سازد، اما به آموزش رسمی هنر تصریح ندارد و زمینه‌ساز تصویب مقررات تکمیلی در حوزه آموزش هنر شده است.
۴	تأسیس هنرستان‌های هنرهای تجسمی وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۰/۳/۲	این مصوبه با اعطای مجوز به سازمان تبلیغات اسلامی برای تأسیس هنرستان‌های هنرهای تجسمی، بر گسترش ظرفیت نهادی آموزش هنر در مقطع متوسطه از طریق نهادهای فرهنگی غیردولتی تأکید دارد. تصریح به لزوم رعایت کامل اساسنامه هنرستان‌های هنرهای تجسمی (مصوب ۱۳۶۳) و آیین‌نامه‌های امتحانی و برنامه‌های درسی، نشان‌دهنده رویکرد «توسعه کمی مبتنی بر الگوی تثبیت‌شده آموزشی» است.

ردیف	عنوان مصوبه	مرجع تصویب	تاریخ تصویب	نکات برجسته
۵	اساسنامه هنرستان هنرهای سنتی و اسلامی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۰/۵/۱۰	این اساسنامه، چارچوبی نهادی برای آموزش رسمی هنر در مقطع متوسطه فراهم می‌کند که بر پرورش استعداد های هنری و تأمین نیروی انسانی ماهر در هنر های اصیل اسلامی – ایرانی تأکید دارد (فصل اول، بندهای «الف» و «ب»). اداره هنرستان زیر نظر بنیاد وابسته به آستان قدس رضوی و با نظارت وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود (ماده (۳)) که نشان‌دهنده نقش نهادهای عمومی غیردولتی در توسعه آموزش هنر است.
۶	تأسیس هنرستان موسیقی وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۰/۵/۱۰	این مصوبه بیانگر گسترش نهادی آموزش رسمی موسیقی در مقطع متوسطه از طریق نهادهای فرهنگی غیردولتی بوده و نشان می‌دهد توسعه کمی هنرستان های هنری، از مسیر الگوهای آموزشی موجود و قابل تکثیر دنبال شده است.
۷	اساسنامه هنرستان هنرهای تصویری-نمایشی	شورای عالی آموزش و پرورش	۱۳۷۱/۷/۱۶	این اساسنامه به تأسیس و گسترش هنرستان های تخصصی در حوزه های هنرهای تصویری – نمایشی می‌پردازد و رشته های عکاسی، پویانمایی، سینما، تئاتر و نمایش عروسکی را در سطح متوسطه پوشش می‌دهد (ماده (۱۱)). تأکید بر «شناسایی و پرورش استعدادها» و «تأمین کادر هنری مورد نیاز نهادها» (ماده (۱)) نشان‌دهنده نگاه نهادی به تربیت نیروی انسانی هنری است.
۸	اساسنامه حوزه هنری انقلاب اسلامی	دفتر مقام معظم رهبری (رهبر شهید (ره))	۱۳۷۷/۹/۲۱	مطابق بند «۵» ماده (۶) و بند «۳» ماده (۷) اساسنامه حوزه هنری، این نهاد مأمور به شناسایی، تربیت و شکوفایی استعداد های هنری و به کارگیری نیروهای جوان در عرصه هنر است. این احکام جایگاه حوزه هنری را به عنوان یک نهاد تربیتگر و کادرساز فرهنگی تثبیت می‌کند، اما نقش آن در آموزش رسمی ساختاریافته تصریح نشده و می‌تواند ظرفیت نهادی مکملی در توسعه آموزش رسمی هنر باشد.
۹	شاخص های اختصاصی ارزیابی عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	شورای عالی اداری	۱۳۸۳/۱۲/۲۴	تعریف «نسبت تعداد هنرچویان هنرستان های هنری به دانش آموزان دبیرستان های کل کشور» (شاخص کمی ۳-۳ ذیل امور هنری) نشان می‌دهد که سیاستگذار از اوایل دهه ۱۳۸۰ به افزایش سهم آموزش های هنری در ساختار آموزش رسمی توجه داشته است.
۱۰	نقشه جامع علمی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۸۹/۱۰/۱۴	نقشه جامع علمی کشور، به ویژه در راهبرد کلان (۶) و اقدامات ملی (۳۳) و (۳۷) ذیل آن، بر تربیت هنری و مهارتی دانش آموزان و پرهیز از جهت گیری صرف به آموزش عالی تأکید دارد. همچنین راهبرد کلان (۱۰) و راهبردهای ملی (۶)، (۸) و (۹) ذیل آن، مبنای ارتقای آموزش هنر متناسب با نیاز های کشور را فراهم می‌کند و در واقع، پشتوانه سیاستی کلان برای گسترش کمی و کیفی هنرستان های هنری در برنامه هفتم پیشرفت محسوب می‌شود.
۱۱	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۰/۱۰/۶	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در ساحت «تربیت زیباشناختی و هنری» بر پرورش توانمندی های هنری و خلاق عموم دانش آموزان تأکید دارد. اگرچه این رویکرد بیشتر ناظر به یکی از ساحت های تربیت عمومی (نظیر زنگ هنر در مدارس ابتدایی و متوسطه اول) است و لزوماً به معنای «آموزش تخصصی، حرفه ای و هنرستانی هنر» نیست، می‌تواند به عنوان یک چتر هنجاری عام برای توجه به جایگاه هنر در نظام آموزش رسمی کشور تلقی شود.
۱۲	نقشه مهندسی فرهنگی کشور	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۱/۱۲/۱۵	نقشه مهندسی فرهنگی کشور، در اقدام ملی (۸) ذیل راهبرد کلان فرهنگی (۹)، بر تدوین برنامه جامع آموزش و تربیت منابع انسانی هنر و ساماندهی نهادهای آموزشی هنری تأکید دارد. این حکم، چارچوب سیاستی یکپارچه سازی و تقویت آموزش هنر را فراهم می‌کند و ضرورت برنامه ریزی هدفمند برای توسعه هنرستان های هنری را برجسته می‌سازد.
۱۳	سند ملی توسعه فناوری های فرهنگی و نرم	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۱۳۹۷/۴/۲۶	بر اساس راهبرد (۱۰) ذیل ماده (۶) این سند، ارتقای کمی و کیفی سرمایه انسانی و بازبینی آموزش های مورد نیاز صنایع فرهنگی خلاق مورد تأکید قرار گرفته است. تصریح به گسترش آموزش های عمومی و ایجاد مدارس تخصصی، پشتوانه سیاستی ارتقای هنرستان های هنری و تقویت رشته هایی مانند پویانمایی را فراهم می‌کند.
۱۴	آیین نامه حمایت از تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین در حوزه آموزش و پرورش	هیئت وزیران	۱۴۰۱/۷/۲۰	این آیین نامه با استناد به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (ماده (۲))، افزایش سهم آموزش های مهارتی تا ۵۰ درصد نظام آموزش پایه را هدفگذاری کرده و توسعه هنرستان ها را به عنوان ابزار تحقق اشتغال آفرینی و تولید دانش بنیان تثبیت می‌کند. بند «۱» ماده (۲) به طور مشخص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به گسترش و تقویت هنرستان های فرهنگی و هنری در پیوند با مراکز فرهنگی و فرهنگسراها مکلف کرده است. همچنین حوزه های اقتصاد ر قومی (شامل پویانمایی) و صنایع دستی و هنر های سنتی در اولویت قرار گرفته اند.

مأخذ: همان.



بررسی پیشینه سیاستی و تقنینی نشان می‌دهد که آموزش رسمی هنر در سطح متوسطه، از دهه‌های نخست پس از انقلاب اسلامی دارای چارچوب‌های حقوقی و نهادی مشخصی بوده است. تصویب اساسنامه‌های تخصصی در حوزه‌های هنرهای تجسمی، موسیقی و تصویری - نمایشی در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، سنگ‌بنای تأسیس هنرستان‌های هنری، تعیین رشته‌های مهارتی و جلب مشارکت نهادهای عمومی غیردولتی را فراهم آورد. اساسنامه‌هایی که البته به دلیل گذر زمان و محدود بودن دامنه رشته‌ها، به بازنگری برای انطباق با نیازهای جدید و عرصه‌های نوپدید و اهداف کمی اسناد و قوانین بالادستی، نیازمندند.

به‌رغم این تراکم سیاستی، میان‌پشتوانه تقنینی موجود و تکالیف تحولی برنامه هفتم پیشرفت، شکافی کارکردی وجود دارد. بررسی آسیب‌شناسانه این اسناد نشان می‌دهد که نخستین مانع، «کلی‌گویی» و فقدان شاخص‌های عملیاتی در بسیاری از اسناد بالادستی است. قوانین و اسناد راهبردی عمدتاً به بیان آرمان‌هایی نظیر «حمایت از هنر» یا «تربیت نیروی انسانی» بسنده کرده و از ارائه سازوکارهای دقیق مالی، نهادی و اجرایی برای تحقق این آرمان‌ها بازمانده‌اند. دومین آسیب جدی، غلبه نگاه «هنر برای هنر» در اساسنامه‌های قدیمی و غفلت از «اقتصاد فرهنگ» است. اساسنامه‌های مصوب دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، آموزش هنر را صرفاً در چارچوب «پرورش استعداد» و «حفظ هنرهای سنتی» صورت‌بندی کرده‌اند؛ در حالی که تکالیف قانون برنامه هفتم پیشرفت (به‌ویژه رشد ۲۵ درصدی پویانمایی) نیازمند نگاهی مبتنی بر «صنایع خلاق»، «زنجیره ارزش» و «اتصال به بازار کار» است. از این رو، پیشینه سیاستی اگرچه در تثبیت جایگاه نظری آموزش هنر موفق بوده، در ایجاد سازوکارهای مالی و اجرایی برای تحقق رشدهای جهشی با خلأ مواجه است. صرف تکیه بر چارچوب تقنینی موجود و اسناد کلی گو کافی نبوده و بازطراحی سیاست‌ها، قوانین و مقررات برای تسهیل ورود بخش‌های خصوصی و مردمی، تقویت اتصال به بازار کار، به‌روزرسانی استانداردهای تجهیزاتی و نیز هماهنگی میان دستگاهی، به‌عنوان ضرورت تقنینی برای عبور از وضعیت موجود مطرح است.

۳. سیمای وضعیت آموزش رشته‌های هنری هنرستان‌ها

۳-۱. تعاریف عملیاتی، دامنه بررسی آماری و متغیرهای مداخله‌گر

در این گزارش، «هنرستان‌های هنری» شامل تمام مراکز آموزشی تحت نظارت «وزارت آموزش و پرورش» است که در قالب‌های زیر فعالیت می‌کنند:

۱) **هنرستان‌های شاخه فنی و حرفه‌ای در «زمینه هنر»:** مراکز تحت مدیریت وزارت آموزش و پرورش که به آموزش‌های مهارتی استاندارد در رشته‌های مختلف هنری می‌پردازند.

۲) **هنرستان‌های شاخه کار دانش در «زمینه هنر»:** مراکز تحت مدیریت وزارت آموزش و پرورش که به مهارت‌های هنری زودبازده و منطبق با نیاز صنوف مربوطه می‌پردازند.

۳) **هنرستان‌های هنرهای زیبا:** مراکز آموزشی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش که بر تربیت استعدادهای هنری در رشته‌های گرافیک، نقاشی، موسیقی، نمایش، سینما و پویانمایی، متمرکزند.

۴) **هنرستان‌های وابسته تخصصی:** مراکز آموزشی خاص (نظیر هنرستان‌های حوزه هنری و صدا و سیما) که تربیت نیروی انسانی فنی برای صنایع فرهنگی، هنری و رسانه‌ای را دنبال می‌کنند.

در تکمیل تعاریف مذکور، دو مؤلفه کلیدی «جامعه آماری هنر جوان» و «سال پایه» به این شرح تعریف می‌شوند:

● **هنر جوان هنرستان‌های هنری:** شامل تمام دانش‌آموزان ثبت‌نام‌شده در پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم در یکی از رشته‌های ذیل «زمینه هنر» در انواع هنرستان‌های پیش گفته است.

● **سال پایه:** باتوجه به ابلاغ قانون برنامه هفتم پیشرفت در تیرماه ۱۴۰۳ و این نکته که اجرای این قانون از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا پایان سال ۱۴۰۷

برنامه ریزی شده است، سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به عنوان سال پایه آماری برای سنجش میزان تحقق اهداف کمی در نظر گرفته می شود. همچنین پیش از ورود به تحلیل روند رشد هنرجویان، ضروری است متغیرهای مداخله گری که به برخی ابهامات آماری در این حوزه منجر می شوند و پایش دقیق نرخ رشد ۷ درصدی را با چالش روبه رو می کنند، تبیین شوند. در تحلیل وضعیت شناختی باید به دو عامل ساختاری زیر توجه داشت:

● **مهاجرت آماری میان زمینه ها (نشانه ضعف در سیاستگذاری یکپارچه):** بخشی از کاهش یا ثبات آمار در زمینه هنر می تواند ناشی از انتقال ساختاری رشته های پر مخاطبی چون «معماری داخلی» به زمینه «صنعت» باشد [۱]. این جابه جایی و تغییر ساختاری، فراتر از یک ریزش آماری کاذب و ظاهری، بیشتر نشان دهنده ضعف عملکرد دستگاه های متولی در حفظ انسجام «زیست بوم آموزش هنر» است. ناتوانی در نگهداشت یک رشته جذاب و بازار پذیر در ذیل گروه هنر و انتقال آن به بخش صنعت، گویای این است که سیاستگذار نتوانسته است هویت اقتصادی و پیوند این رشته ها را با بازار کار در ساختار هنرستان های هنری تعریف و تثبیت کند؛ امری که در عمل به تضعیف سبد مهارت های هنری در کشور منجر شده است.

● **انقباض در شاخه کار دانش:** سیاست «توقف توسعه» در حدود ۳۰ عنوان رشته کار دانش [۱]، نشانگر رویکردی کاهشی در بدنه آموزش رسمی این حوزه است و در ظاهر با هدف رشد ۷ درصدی در تعارض به نظر می رسد. از این رو، در تحلیل مسیرهای پیش رو، باید میان رشته های فعال، در حال حذف، ادغام شده و تازه تأسیس تفکیک قائل شد. سیالیت رشته ای می تواند باعث ایجاد تحولات کاذب در آمارها شود و دقت نظارتی را تحت تأثیر قرار دهد؛ به همین دلیل، تعریف یک «سبد ثابت از رشته های هنری» برای طول دوره اجرای برنامه هفتم ضرورتی تقنینی و نظارتی است.

۲-۳. روند عملکرد و افق رشد تعداد هنرجویان هنری

بررسی روند جذب هنرجویان در ابتدای اجرای برنامه هفتم نشان می دهد که اگرچه میانگین رشد در سه سال اخیر حدود ۹/۶ درصد بوده است، روند کاهشی نرخ رشد از ۱۴/۹ درصد در سال پایه به ۴/۳ درصد در سال اول اجرای برنامه، هشدار دهنده است. این افت نشان می دهد که بدون مداخلات ساختاری و تأمین الزامات بودجه ای، حفظ نرخ رشد متوسط ۷ درصد مصرح در ماده (۷۴) در سال های آتی با چالش جدی مواجه خواهد شد. با توجه به تکلیف قانونی مذکور و براساس آمار سال پایه، برآورد اهداف کمی تا پایان اجرای برنامه هفتم به این شرح خواهد بود [۲]:

جدول ۳. برآورد تعداد کل هنرجویان هنرستان های هنری (زمینه هنر) براساس تکلیف قانون برنامه هفتم پیشرفت [۲]

سال تحصیلی	وضعیت	تعداد کل هنرجویان	تعداد هنرجویان زمینه هنر (عملکرد واقعی)	درصد رشد هنرجویان زمینه هنر	تعداد مورد انتظار هنرجویان زمینه هنر (رشد متوسط سالیانه ۷٪)	انحراف از هدف سالیانه
۱۴۰۳-۱۴۰۲	سال پایه	۱,۱۶۶,۳۰۷	۳۰۲,۱۶۷ (۲۵/۹٪ از کل)	-	۳۰۲,۱۶۷	-
۱۴۰۴-۱۴۰۳	سال اول اجرا	۱,۳۱۸,۲۶۹	۳۴۷,۳۳۳ (۲۶/۳٪ از کل)	٪+۱۴/۹	۳۲۳,۳۱۹	٪+۷/۴
۱۴۰۵-۱۴۰۴	سال دوم اجرا	۱,۴۱۷,۹۳۲	۳۶۲,۲۲۸ (۲۵/۵٪ از کل)	٪+۴/۳	۳۴۵,۹۵۱	٪-۲/۷
۱۴۰۶-۱۴۰۵	سال سوم اجرا	-	-	-	۳۷۰,۱۶۸	-
۱۴۰۷-۱۴۰۶	سال چهارم اجرا	-	-	-	۳۹۶,۰۸۰	-
۱۴۰۸-۱۴۰۷	سال پنجم اجرا (پایان برنامه)	-	-	-	۴۲۳,۸۰۶	-



تحلیل ارقام مندرج در جدول ۳، بیانگر نکات راهبردی زیر در خصوص نحوه تحقق اهداف کمی یاد شده است:

● **وضعیت تحقق اهداف براساس میانگین متحرک:** مطابق جدول شماره (۱۶) **قانون برنامه هفتم پیشرفت**، نرخ رشد ۷ درصد به صورت «متوسط سالیانه» تعیین شده است؛ لذا انحراف‌های مثبت یا منفی سالیانه لزوماً به معنای شکست یا موفقیت قطعی نیست. با مبنا قرار دادن سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به عنوان سال پایه، مشاهده می‌شود که به رغم افت نرخ رشد در سال جاری، مجموع عملکرد دستگاه‌های متولی به دلیل جهش سال اول، کماکان ۱۶,۲۷۷ نفر (معادل ۴/۷ درصد) جلوتر از خط هدف ترسیم شده در قانون است.

● **افت شتاب رشد (تقاطع محدودیت ظرفیت و کشش بازار):** روند طی شده نشان می‌دهد که نرخ رشد از ۱۴/۹ درصد در سال اول برنامه به ۴/۳ درصد در سال دوم سقوط کرده است. این کاهش قابل توجه طی یک سال می‌تواند هشدار دهد که رشدهای آتی دیگر نمی‌توانند صرفاً مبتنی بر «افزایش تراکم در کلاس‌های موجود» باشند. از این رو، برای رسیدن به هدف نهایی برنامه (۴۲۳,۸۰۶ هنرجو)، مداخلات توسعه‌ای و فرایندی کوتاه‌مدت و میان‌مدت الزامی است. از طرف دیگر، اگرچه بخشی از این افت ۱۰ درصدی به دلیل «اشباع ظرفیت‌های فیزیکی هنرستان‌های دولتی و کمبود تجهیزات» است، در نگاهی کلان‌تر نمی‌توان تمام بار این کاهش را بر دوش نظام آموزشی انداخت. در واقع، نظام آموزشی با پدیده «ضعف جدی در تقاضای مؤثر» نیز روبه‌روست؛ بدین معنا که دانش‌آموزان در سنین انتخاب رشته، براساس چشم‌انداز آینده شغلی و درآمدی برنامه‌ریزی می‌کنند و در مواجهه با ابهام در بازار کار رشته‌های هنری، از ورود به این عرصه منصرف می‌شوند. بنابراین، توقف شتاب رشد، نشانه‌ای هشداردهنده از توسعه نامتوازن «صنایع خلاق و اقتصاد هنر» همپای تکالیف آموزشی برنامه هفتم است.

این ضعف در تقاضای مؤثر و انصراف دانش‌آموزان از ورود به رشته‌های هنری، ریشه در واقعیت‌های نابسامان اقتصاد هنر دارد. بنابر آخرین گزارش رسمی «رصد اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کل کشور»، دانش‌آموختگان گروه «هنر» با نرخ اشتغال رسمی ۲۴/۵۵ درصد، در پایین‌ترین رده و بحرانی‌ترین وضعیت میان تمام گروه‌های تحصیلی قرار دارند؛ به طوری که بیش از ۷۵ درصد آنان خارج از بازار کار رسمی تعریف می‌شوند. همچنین نرخ اشتغال در دانشگاه ملی مهارت (به عنوان حلقه متصل به هنرستان‌ها) نیز فقط ۱۷/۴۷ درصد گزارش شده است. حتی با احتساب سهم ۶/۵ درصدی اشتغال فارغ‌التحصیلان در اقتصاد غیررسمی، این آمار نشان‌دهنده ضعف جدی ساختاری است [۳]. طبیعی است که در چنین چشم‌اندازی از آینده شغلی، دانش‌آموز مستعد (به ویژه پسران که دغدغه استقلال مالی برایشان پررنگ‌تر است) از ورود به هنرستان‌های هنری منصرف شود و سرمایه‌گذاری آموزشی دولت در سمت عرضه، با عدم استقبال در سمت تقاضا مواجه شود.

۳-۳. بررسی کلان تسهیم هنرجویان زمینه هنر به تفکیک رشته

بررسی روند جذب هنرجو در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ثبات و رشد بدنه آموزش مهارتی و حرفه‌ای هنر در کشور در مقطع متوسطه دوم، از میان بیش از ۴۰ رشته فعال در زمینه هنر عمدتاً متکی بر ۷ عنوان رشته کلیدی^۱ بوده است که بیش از ۷۰ درصد از کل جمعیت هنرجویان زمینه هنر را پوشش می‌دهند. این رشته‌ها نه فقط بالاترین میزان تقاضا را دارند، بلکه اغلب کمترین تغییرات ساختاری (حذف یا ادغام) را در این دوره تجربه کرده‌اند [۴].

۱. «طراحی و دوخت»، «گرافیک»، «گرافیک رایانه‌ای»، «خیاطی لباس شب و عروس»، «تصویرسازی و جلوه‌های ویژه رایانه‌ای»، «فتو-گرافیک» و «عکاسی دیجیتال».



جدول ۴. روند تغییرات جمعیت هنر جویان زمینه هنر در دسته‌های مختلف رشته‌های فعال از سال ۱۳۹۹ تاکنون [۴] [۵] [۶]

دسته موضوعی: عناوین رشته‌ها	۱۴۰۰-۱۳۹۹	۱۴۰۱-۱۴۰۰	۱۴۰۲-۱۴۰۱	۱۴۰۳-۱۴۰۲ (سال پایه)	۱۴۰۴-۱۴۰۳ (سال اول اجرا)	۱۴۰۵-۱۴۰۴ (سال دوم اجرا)	رشد میانگین سالیانه از سال پایه ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تا سال پایه ۱۴۰۴	تغییر در شتاب رشد	سهم از کل (برحسب سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵)	وضعیت توازن جنسیتی (برحسب سال ۱۴۰۵-۱۴۰۴)
گرافیک: تصویرسازی و جلوه‌های ویژه رایانه‌ای، صفحه‌آرایی، طراحی بسته‌بندی، عکاسی، عکاسی رقومی (دیجیتال)، فتو-گرافیک، گرافیک، گرافیک رایانه‌ای.	۹۴,۳۲۸	۹۸,۴۷۳	۱۰۵,۸۲۲	۱۲۳,۲۰۴	۱۴۱,۴۷۰ و ۷۹/۱٪ دختر و ۲۰/۹٪ و ۲۰/۵٪ (پسر)	۱۵۲,۴۰۱ و ۷۹/۵٪ دختر و ۲۰/۵٪ (پسر)	۹/۴٪	۱۱/۳٪	۴۷/۳٪	عدم توازن شدید
خیاطی: دستبازی تهیه لباس‌های نمایشی، دستبازی طراحی لباس، دوخت‌های سنتی، دوخت لباس‌های محلی، خیاطی دوخت‌های تزئینی، خیاطی لباس زنانه، خیاطی لباس شب و عروس، طراحی و دوخت.	۶۴,۸۷۷	۶۸,۲۶۹	۷۵,۰۲۲	۸۸,۷۶۰	۱۰۹,۷۳۷ و ۱۰۰٪ دختر)	۱۳۰,۴۶۴ و ۱۰۰٪ دختر)	۱۱/۱٪	۲۱/۳٪	۴۰/۵٪	کاملاً دخترانه
صنایع دستی: تراش سنگ‌های قیمتی، تراش و تزئین شیشه و کریستال، خاتم‌سازی، خاتم‌کاری، سراجی کیف، سراجی-دوزنده کفش، سفال و لعاب، سفالگری، صنایع دستی-فرش، صنایع دستی-هنر سرامیک، صنایع دستی-هنرهای چوبی، طراحی طلا و جواهر، طراحی و نقاشی فرش، طلا و جواهرسازی، قلم‌زنی روی فلز، کاشی‌سازی هفت‌رنگ، معرق کاشی، منبت‌کاری، هنر آیین‌کاری، هنر فرش، هنر معرق‌کاری.	۹,۵۵۴	۹,۶۴۵	۹,۶۱۴	۱۱,۰۴۸	۱۲,۵۴۷ و ۸۱/۴٪ دختر و ۱۸/۶٪ و ۲۰/۱٪ (پسر)	۱۲,۸۵۰ و ۷۹/۹٪ دختر و ۲۰/۱٪ (پسر)	۵/۲٪	۸٪	۴٪	عدم توازن شدید
هنرهای نمایشی: پویانمایی (انیمیشن)، تصویربرداری، تولید برنامه تلویزیونی، سینما، نمایش.	۹,۶۰۵	۱۰,۴۳۹	۱۱,۰۹۴	۱۱,۷۰۶	۱۲,۲۴۱ و ۶۶/۳٪ دختر و ۳۳/۷٪ و ۳۳/۲٪ (پسر)	۱۲,۵۲۲ و ۶۶/۸٪ دختر و ۳۳/۲٪ و ۳۳/۲٪ (پسر)	۶/۸٪	۳/۴٪	۳/۹٪	عدم توازن متوسط
نقاشی: تذهیب و تشعیر، چهره‌سازی، نقاشی، نقاشی ایرانی، نگارگری.	۹,۵۲۳	۱۰,۱۱۲	۱۰,۶۵۰	۱۰,۱۷۶	۱۰,۶۸۲ و ۹۷/۷٪ دختر و ۲/۳٪ و ۲/۵٪ (پسر)	۱۰,۵۱۴ و ۹۷/۵٪ دختر و ۲/۵٪ (پسر)	۲/۴٪	۱/۷٪	۳/۳٪	شدیدا دخترانه
موسیقی: آواز ایرانی، سازسازی، نوازندگی ساز ایرانی، نوازندگی ساز جهانی.	۲,۲۹۹	۲,۵۲۹	۲,۸۱۰	۳,۰۰۸	۳,۱۴۹ و ۵۴/۶٪ دختر و ۴۵/۴٪ و ۴۴/۹٪ (پسر)	۳,۲۴۹ و ۵۵/۱٪ دختر و ۴۴/۹٪ (پسر)	۹/۴٪	۳/۹٪	۱٪	توازن
مجموع	۱۹۰,۱۸۶	۱۹۹,۴۶۷	۲۱۵,۰۱۲	۲۴۷,۹۰۲	۲۴۷,۹۰۲ و ۸۷٪ دختر و ۱۳٪ (پسر)	۳۲۲,۰۰۰ و ۸۷/۷٪ دختر و ۱۲/۳٪ و ۱۲/۳٪ (پسر)	۹/۳٪	۱۴٪	-	عدم توازن شدید

بررسی یافته های جدول ۴ نمایانگر واقعیت هایی مهم و کلیدی در ساختار مدیریتی و بدنه آموزش رشته های هنری در بستر هنرستان هاست:

- **رشد نامتوازن و اقتصادمحور رشته ها:** اگرچه نرخ رشد کل هنرجویان در بازه پس از سال پایه مطلوب بوده (دو برابر تکلیف قانونی)، این رشد به شدت نامتوازن است. بار اصلی تحقق این آمار بر دوش دسته های رشته ای «خیاطی» (با ۲۱/۳ درصد رشد) و «گرافیک» (با ۱۱/۳ درصد رشد) قرار دارد. دلیل اصلی این تمرکز، پیوند مستقیم تر این رشته ها با نیازهای روزمره جامعه، هزینه های پایین تر راه اندازی کسب و کار و امکان اشتغال زود هنگام (حتی در مقیاس خرد و خانگی) است. در مقابل، رشته های فناوری محور و سرمایه بر (مانند هنرهای نمایشی و پویانمایی) به دلیل گران بودن تجهیزات و وابستگی به بازار کارهای صنعتی تر، نتوانسته اند به حداقل نرخ رشد عمومی (۷ درصد) برسند.
- **عدم توازن جنسیتی و جهت گیری بازار کار:** داده ها نشان می دهد که ۸۷/۷ درصد از هنرجویان زمینه هنر را دختران تشکیل می دهند. این نابرابری شدید جنسیتی، بیش از آنکه ناشی از محدودیت های آموزشی باشد، ریشه در واقعیت های اقتصاد خانواده و بازار کار دارد. خروج تدریجی پسران از چرخه آموزش رسمی هنر نشان می دهد که این گروه برای تضمین استقلال مالی و آینده شغلی خود، احتمالاً به سمت رشته های زمینه «صنعت» (نظیر مکانیک خودرو، برق، کامپیوتر یا ساختمان) که بازار کار سنتی تر، پرونق تر و باثبات تری دارند، متمایل شده اند. فقط در رشته «موسیقی» توازنی نسبی (۵۵ درصد دختر و ۴۵ درصد پسر) مشاهده می شود که حاکی از جذابیت حرفه ای پایدار این رشته برای هر دو جنس است.

۳-۴. برش استانی و تحلیل آمایش سرزمینی هنرجویان زمینه هنر

تحلیل داده های استانی در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴، تصویری از وضعیت پراکنش جغرافیایی هنرجویان ارائه می دهد. در بررسی این داده ها، باید توجه داشت که تحقق اهداف کمی ماده (۷۴) افزون بر چالش های بودجه ای، نیازمند اتخاذ رویکردی دقیق در حوزه «آمایش سرزمینی» است.

جدول ۵. آمار هنرجویان هنری و رشته پویانمایی به تفکیک استان در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ (به ترتیب جمعیت کل) [۲]

نام استان	تعداد کل هنرجویان زمینه هنر	تعداد دختر	تعداد پسر	درصد دختر	درصد پسر	تعداد هنرجویان پویانمایی
خراسان رضوی	۳۵,۳۰۷	۳۰,۶۴۸	۴,۶۵۹	۸۶/۸٪	۱۳/۲٪	۷۹۷
شهر تهران	۳۲,۶۲۰	۲۶,۰۶۶	۶,۵۵۴	۷۹/۹٪	۲۰/۱٪	۱,۶۰۱
شهرستان های تهران	۲۸,۰۲۰	۲۴,۵۳۲	۳,۴۸۸	۸۷/۶٪	۱۲/۴٪	۸۴۷
اصفهان	۲۷,۳۴۹	۲۳,۶۱۹	۳,۷۳۰	۸۶/۴٪	۱۳/۶٪	۹۸۰
خوزستان	۲۴,۸۵۵	۱۹,۴۵۶	۵,۳۹۹	۷۸/۳٪	۲۱/۷٪	۲۳۷
فارس	۱۹,۹۷۳	۱۸,۳۰۴	۱,۶۶۹	۹۱/۶٪	۸/۴٪	۴۵۲
مازندران	۱۶,۳۸۵	۱۴,۶۵۰	۱,۷۳۵	۸۹/۴٪	۱۰/۶٪	۲۴۶
البرز	۱۵,۳۴۳	۱۲,۴۲۱	۲,۹۲۲	۸۱٪	۱۹٪	۷۴۷
کرمان	۱۴,۸۳۱	۱۳,۰۹۰	۱,۷۴۱	۸۸/۳٪	۱۱/۷٪	۲۰۵
آذربایجان شرقی	۱۴,۵۰۰	۱۱,۵۶۳	۲,۹۳۷	۷۹/۷٪	۲۰/۳٪	۱۵۶
هرمزگان	۱۰,۰۳۱	۹,۲۴۶	۷۸۵	۹۲/۲٪	۷/۸٪	۱۸۲
گیلان	۹,۸۶۳	۸,۵۲۲	۱,۳۴۱	۸۶/۴٪	۱۳/۶٪	۱۳۰
گلستان	۹,۴۸۲	۸,۱۸۰	۱,۳۰۲	۸۶/۳٪	۱۳/۷٪	۵۷
آذربایجان غربی	۸,۸۹۵	۷,۲۵۸	۱,۶۳۷	۸۱/۶٪	۱۸/۴٪	۵۴
قم	۷,۳۴۸	۶,۳۶۹	۹۷۹	۸۶/۷٪	۱۳/۳٪	۱۹۲
یزد	۷,۲۶۱	۶,۰۹۵	۱,۱۶۶	۸۳/۹٪	۱۶/۱٪	۲۲۸
بوشهر	۶,۴۵۵	۵,۵۵۳	۹۰۲	۸۶٪	۱۴٪	۲۹

نام استان	تعداد کل هنرجویان زمینه هنر	تعداد دختر	تعداد پسر	درصد دختر	درصد پسر	تعداد هنرجویان پویانمایی
کردستان	۶,۱۷۷	۴,۸۸۵	۱,۲۹۲	۷۹/۱٪	۲۰/۹٪	۱۸۸
قزوین	۶,۱۳۷	۵,۱۸۴	۹۵۳	۸۴/۵٪	۱۵/۵٪	۲۱۲
همدان	۵,۸۳۰	۵,۳۲۶	۵۰۴	۹۱/۴٪	۸/۶٪	۲۷۶
سیستان و بلوچستان	۵,۶۵۵	۳,۹۴۹	۱,۷۰۶	۶۹/۸٪	۳۰/۲٪	۱۱
لرستان	۵,۶۰۶	۴,۳۴۱	۱,۲۶۵	۷۷/۴٪	۲۲/۶٪	۹۳
مرکزی	۵,۳۱۳	۴,۵۷۶	۷۳۷	۸۶/۱٪	۱۳/۹٪	۱۱۹
کرمانشاه	۵,۱۵۵	۴,۴۲۶	۷۲۹	۸۵/۹٪	۱۴/۱٪	۰
زنجان	۴,۸۵۷	۴,۰۵۷	۸۰۰	۸۳/۵٪	۱۶/۵٪	۲۱۹
اردبیل	۴,۲۰۰	۳,۵۱۹	۶۸۱	۸۳/۸٪	۱۶/۲٪	۱۴
خراسان شمالی	۴,۰۸۶	۳,۴۹۰	۵۹۶	۸۵/۴٪	۱۴/۶٪	۲۴
چهارمحال و بختیاری	۳,۸۵۵	۳,۴۶۱	۳۹۴	۸۹/۸٪	۱۰/۲٪	۹۹
خراسان جنوبی	۳,۱۶۵	۲,۸۰۸	۳۵۷	۸۸/۷٪	۱۱/۳٪	۳۸
سمنان	۲,۸۸۴	۲,۴۲۴	۴۶۰	۸۴٪	۱۶٪	۶۹
کهگیلویه و بویر احمد	۱,۸۱۶	۱,۵۲۷	۲۸۹	۸۴/۱٪	۱۵/۹٪	۰
ایلام	۱,۷۰۹	۱,۱۶۲	۵۴۷	۶۸٪	۳۲٪	۰

یافته های جدول ۵ را می توان با رویکردی مبتنی بر اقتصاد آموزش و آمایش سرزمینی، در محورهای زیر تحلیل کرد:

● **تغییر الگواز «برابری توزیع» به «عدالت مبتنی بر آمایش سرزمینی»:** توزیع هنرجویان زمینه هنر در سطح کشور نشان دهنده تمرکز بالای جمعیتی در چند استان (تهران، خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان، فارس و مازندران) است که بیش از ۵۰ درصد کل هنرجویان هنر کشور را در خود جای داده اند. در نگاه نخست، این تمرکز جمعیتی ممکن است معادل «توسعه ناعادلانه» یا «محرومیت مناطق پیرامونی» تلقی شود؛ اما از منظر اقتصاد آموزش، توزیع برابر یک رشته خاص در تمام مناطق شهری و روستایی کشور، لزوماً به معنای عدالت نیست. توسعه هنرستان های هنری باید تابعی از اقتصاد محلی، زیست بوم فرهنگی، زیرساخت های صنایع خلاق و مزیت های نسبی هر منطقه باشد. استقرار هنرستان های هنری در مناطقی که فاقد کشش بازار کار و زیرساخت های اقتصاد فرهنگ اند، در نهایت به «تربیت نیروی کار بیکار» منجر می شود. از این رو، عدالت آموزشی در اینجا به معنای توزیع متناسب مهارت هاست؛ بدین صورت که رشته های هنری منحصرأ در کانون ها و قطب های دارای زیست بوم فرهنگی (مانند تهران یا اصفهان) توسعه یابند و در استان های دیگر (حتی استان های پر جمعیتی که فاقد بازار کار تخصصی هنر هستند)، رشته های مهارتی متناسب با ظرفیت های بالفعل و مزیت های اقتصادی همان منطقه (نظیر کشاورزی، صنعت، دریاوردی یا خدمات خاص) تقویت شوند.

● **پرهیز از مقایسه اعداد مطلق و ضرورت سنجش نسبیتی:** مقایسه اعداد مطلق در جدول توزیع استانی می تواند خطای تحلیلی ایجاد کند. برای مثال، اینکه جمعیت هنرجویان در استان خراسان رضوی (۳۵,۳۰۷ نفر) بیست برابر استان ایلام (۱,۷۰۹ نفر) است، ملاک دقیقی برای ارزیابی عملکرد یا سنجش عدالت نیست؛ چرا که وسعت جغرافیایی و جمعیت کل دانش آموزی این دو استان تفاوت بنیادین دارد. برای یک پایش دقیق و نظارت کارآمد بر تحقق رشد ۷ درصدی، شاخص ارزیابی استانی نباید «تعداد مطلق هنرجو» باشد، بلکه باید «درصد هنرجویان هنری از کل دانش آموزان همان استان» مبنای سنجش قرار گیرد تا عملکرد هر استان متناسب با ظرفیت جمعیتی خودش ارزیابی شود.

● **تحلیل شکاف جنسیتی استانی و گرایش های بازار:** داده های استانی می توانند تفاوت های فرهنگی، اقلیمی و اقتصادی در جذب هنرجویان را نمایان کنند. در حالی که میانگین حضور پسران در کل کشور حدود ۱۲ درصد است، در استان هایی مانند هرمزگان، فارس و همدان، سهم پسران از آموزش هنر، زیر ۹ درصد است. از طرف دیگر، استان های ایلام و سیستان و بلوچستان با سهم ۳۰ تا ۳۲ درصدی پسران، بالاترین نرخ توازن جنسیتی را دارند. این تفاوت معنادار، احتمالاً ناشی از غلبه رشته های بومی خاص در آن مناطق است که به دلیل پیوند با اقتصاد خرد محلی و بازار کار در دسترس، هنوز برای پسران دارای توجیه اقتصادی و جذابیت حرفه ای است.



۵-۳. بررسی وضعیت واحدهای آموزشی

بررسی داده‌های مربوط به واحدهای آموزشی فعال در زمینه هنر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ نشان می‌دهد که در مجموع، ۴,۷۱۰ واحد آموزشی (مدرسه) در سطح کشور حداقل یکی از رشته‌های زمینه هنر را ارائه می‌دهند.^۱

جدول ۶. آمار تفکیکی انواع واحدهای آموزشی فعال در زمینه هنر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ [۲]

متغیر	دسته‌بندی	تعداد مدرسه	سهم از کل
نوع اداره	دولتی	۴,۱۱۷	٪ ۸۷/۴
	غیردولتی	۵۹۳	٪ ۱۲/۶
محل مدرسه	شهری	۳,۹۹۸	٪ ۸۴/۹
	روستایی	۷۱۲	٪ ۱۵/۱
ویژگی و نوع وابستگی	عادی دولتی	۳,۷۹۷	٪ ۸۰/۶
	غیردولتی (عادی)	۵۸۷	٪ ۱۲/۵
	هیئت امنایی	۱۳۸	٪ ۲/۹
	وابسته دولتی	۷۴	٪ ۱/۶

جدول ۷. آمار تقاطع «نوع اداره» با «محل مدرسه» واحدهای آموزشی فعال در زمینه هنر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ [۲]

نوع اداره	شهری	روستایی	جمع کل
دولتی	۳,۴۱۲	۷۰۵	۴,۱۱۷
غیردولتی	۵۸۶	۷	۵۹۳
جمع کل	۳,۹۹۸	۷۱۲	۴,۷۱۰

تحلیل داده‌های این بخش، برخی ویژگی‌های ساختاری نظام رسمی آموزش هنر را روشن می‌سازد. البته پیش از تحلیل، باید به این نکته در دسته‌بندی‌ها توجه داشت که متغیر «نوع اداره» یک دسته‌بندی کلان است؛ به‌طوری‌که سهم ۸۷/۴ درصدی مدارس «دولتی»، در واقع چتری است که علاوه بر مدارس عادی آموزش و پرورش، مدارس «هیئت امنایی» و هنرستان‌های تخصصی «وابسته دولتی» را نیز در دل خود جای داده است. با در نظر گرفتن این ملاحظه، دو محور تحلیلی کلیدی زیر استنباط می‌شوند:

● **غلبه نظام دولتی و تمرکز منطقی در مناطق شهری:** ساختار آموزش هنر در ایران به شدت «دولتی محور» (حدود ۸۷ درصد) و «شهری محور» (حدود ۸۵ درصد) است. اگرچه در نگاه نخست، فقدان هنرستان‌های هنری در مناطق روستایی ممکن است چالشی در مسیر توسعه آموزشی تلقی شود، با رویکرد «اقتصاد فرهنگ»، این تمرکز شهری تاحدزیادی منطقی و گریزناپذیر است. زیست‌بوم صنایع خلاق، شبکه‌های تولید محتوا و بازارهای مصرف محصولات هنری، از حیث ماهیت و خاستگاه پدیده‌هایی شهری‌اند (غالباً کلان‌شهری). بنابراین، استقرار هنرستان‌ها در شهرها پاسخی طبیعی به جانمایی بازار کار و تقاضای مصرف‌کننده است.

● **نقش کم‌رنگ بخش خصوصی:** بخش غیردولتی فقط ۱۲/۶ درصد از مدارس زمینه هنر را شامل می‌شود و تمرکز تقریباً ۱۰ درصدی آن بر مناطق شهری است. این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در آموزش هنر، صرفاً در نقاطی صورت گرفته است که بازگشت سرمایه و تقاضای مؤثر وجود دارد. فقدان بسته‌های تشویقی اقتصادی باعث شده است تا بخش خصوصی تمایلی به مشارکت گسترده‌تر در این زمینه نداشته باشد.

۱. محاسبه بر مبنای تعداد کد یکتای مدارس.

۳-۶. عملکرد دستگاه های فعال دیگر و ظرفیت هنرستان های وابسته

تحقق اهداف کمی رشد هنرجویان، مسئولیتی انحصاری برای وزارت آموزش و پرورش نیست. در بررسی نهادی دقیق تر، افزون بر این وزارتخانه که متولی اصلی آموزش متوسطه است، سه دستگاه کلیدی دیگر یعنی «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» و «سازمان صدا و سیما» نیز از طریق هنرستان های وابسته خود، در این عرصه فعال اند. تحلیل مقایسه ای عملکرد این نهادها، نشان دهنده فرصت ها، چالش ها و الگوهای متفاوتی است که می تواند مبنای سیاست گذاری های آتی قرار گیرد.

جدول ۸. نمای مقایسه ای عملکرد دستگاه های دارای هنرستان های هنری در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ [۷] [۸] [۹]

تعداد هنرجویان	هنرستان های هنرهای زیبا (فرهنگ و ارشاد اسلامی)	هنرستان های سوره (حوزه هنری)	هنرستان صدا و سیما
۸,۶۸۴ نفر	۷۵۸ نفر (ظرفیت: ۱۰۴۱ نفر)	۹۲ نفر (ظرفیت: ۱۸۰ نفر)	
نسبت جنسیتی	۵۴٪ دختر و ۴۶٪ پسر	همگی دختر	همگی پسر
وضعیت نیروی انسانی	۱٪ رسمی، ۲۷٪ موظف و ۷۲٪ حق التدریس	همگی حق التدریس	همگی حق التدریس
رشته های فعال	گرافیک، نقاشی، موسیقی، نمایش، سینما، پویانمایی	گرافیک، فتوگرافیک، موسیقی، نمایش، سینما، پویانمایی، تولید برنامه تلویزیونی، طراحی و دوخت	پویانمایی، تولید برنامه تلویزیونی، سینما
سهم از کل هنرجویان پویانمایی (۸,۶۱۶ نفر)	۵۴۵ نفر (۶/۴٪)	۹۴ نفر (۱/۱٪)	۴۷ نفر (۵/۵٪)

تحلیل عملکرد این دستگاه ها، نمایانگر الگوها، ظرفیت ها و چالش های متفاوت و گاه متناقضی در نظام رسمی آموزش هنر است:

● **تناقض ظرفیت های آموزشی (اشباع در برابر صندلی های خالی):** یکی از پدیده های قابل تأمل، وجود ظرفیت های خالی در برخی هنرستان های وابسته یا تعطیلی برخی رشته های هنری در مناطق خاص است. در حالی که گزارش ها از کمبود فضای فیزیکی و اشباع کلاس ها در هنرستان های دولتی پر تقاضا حکایت دارند [۷] [۲]، وجود این صندلی های خالی نشان می دهد که مشکل صرفاً «کمبود فضا» نیست. داده های حوزه هنری، یک شکاف قابل تأمل میان «ظرفیت اسمی» و «ثبت نام واقعی» را نمایان می کند. برای مثال، در هنرستان تازه تأسیس «سینور» تهران، فقط ۶۰ نفر از ظرفیت ۱۶۸ نفری تکمیل شده است (تحقق حدود ۳۵ درصدی) [۸]. این قبیل ظرفیت های استفاده نشده، نشان دهنده چالش هایی نظیر ضعف در اطلاع رسانی، عدم جذابیت رشته های تعریف شده برای مخاطبان محلی (فقدان کشش بازار) یا شهریه های بالاست. با این حال، این ظرفیت ها می توانند یک فرصت فوری برای جبران کمبود فضای فیزیکی در هنرستان های دولتی باشند. دولت می تواند با ارائه یارانه یا خرید خدمات آموزشی، هنرجویان پشت خط مانده هنرستان های دولتی اشباع شده را به این مراکز هدایت کند و از این طریق، بدون نیاز به سرمایه گذاری جدید برای توسعه کالبدی و زیرساختی، بخشی از هدف رشد قانون را محقق سازد.

● **تناقض نیروی انسانی (دوراهی استخدام دولتی و کیفیت حق التدریس):** وابستگی شدید دستگاه های وابسته به نیروهای حق التدریس، یک شمشیر دولبه و یکی از بزرگ ترین چالش های سیاستی است. از یک سو، اتکای بیش از حد به نیروهای موقت (نظیر آمار ۷۲ درصدی حق التدریس در هنرستان های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، پایداری آموزش را به خطر می اندازد. اما از سوی دیگر، هنرستان های موفق مانند صدا و سیما نشان داده اند که برای جذب استادان تراز اول و متخصصان صنعت، چاره ای جز استفاده از شیوه حق التدریس وجود ندارد. هنرستان صدا و سیما با وجود جمعیت محدود هنرجویان، نمونه ای از یک مرکز تخصصی و متمرکز بر نیازهای



بازار کار است. این هنرستان با داشتن ۱۱ استاد تخصصی در حوزه پویانمایی، یکی از متمرکزترین و کیفی‌ترین هسته‌های آموزشی محسوب می‌شود [۹]. این الگو نشان می‌دهد که پیوند مستقیم با بازار کار (در اینجا سازمان صدا و سیما) می‌تواند به تربیت نیروی انسانی ماهر و توانمند منجر شود و الگویی برای توسعه «هنرستان‌های جوار صنعت» باشد. اما حق‌التدریس بودن تمام این استادان، امکان خروج ناگهانی متخصصان را به همراه دارد. واقعیت اقتصاد هنر این است که یک متخصص برجسته، با تعرفه‌های پایین و ساختار صلب و کم‌انعطاف استخدامی دولتی، حاضر به پذیرش تعهد ۳۰ ساله معلمی نیست؛ چرا که درآمد او در بازار آزاد بسیار بالاتر است. بنابراین، راهکار حل این تناقض، پافشاری بر استخدام‌های سنتی نیست؛ بلکه نظام آموزشی باید با تغییر رویکرد، الگوهایی نظیر «برون‌سپاری خدمات آموزشی» یا تعریف جایگاه «استادکار دوشغله» (مشابه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که هم‌زمان در صنعت نیز فعال‌اند) را به رسمیت بشناسد تا بتواند بدون قطع ارتباط متخصصان با بازار کار، از دانش آنها در هنرستان‌ها بهره‌مند شود.

● **تمرکز جغرافیایی تخصصی (پرهیز از توسعه کور و لزوم انطباق با بازار کار):** بررسی پراکنش هنرستان‌های وابسته نشان دهنده تمرکز بالای این مراکز در پایتخت و برخی کلان‌شهرها و عدم حضور آنها در تعدادی از استان‌های کشور است. برخلاف نگاه سنتی مساوات‌طلبانه که این توزیع را یک «تأثر از بی‌عدالتی» می‌پندارد، از منظر اقتصاد آموزش، این الگوی توزیع اتفاقاً رویه‌ای منطقی و قابل دفاع است. توسعه هنرستان‌های تخصصی هنر نباید به صورت عرضی و بدون ضابطه در تمام مناطقی که فاقد زیست‌بوم فرهنگی و استودیوهای تولیدی‌اند، گسترش یابد. راه‌اندازی رشته‌های هنری در مناطقی که کشش بازار کار برای جذب فارغ‌التحصیلان آنها وجود ندارد، نتیجه‌ای جز اتلاف منابع دولتی و «تربیت نیروی کار بیکار» نخواهد داشت. بنابراین، تمرکز امکانات دستگاه‌های وابسته در قطب‌های اصلی اقتصاد هنر، نه فقط آسیب نیست، بلکه مصداق بارز «آمایش سرزمینی» است؛ توسعه رشته‌های هنری در مناطق کم‌برخوردار فقط در صورتی توجیه‌پذیر است که با برنامه‌ریزی هم‌زمان برای توسعه زنجیره اشتغال و تأسیس صنایع فرهنگی و خلاق بومی در همان مناطق همراه باشد. البته در این مناطق، توجه به استعدادیابی و فراهم کردن زمینه‌های رشد و فرصت‌های بروز خلاقیت نیز بسیار حائز اهمیت است.

۴. سیمای وضعیت آموزش رشته پویانمایی

رشته پویانمایی به دلیل پیوند عمیق با فناوری‌های نوین، ارزش افزوده اقتصادی بالا و نقش راهبردی در تولید محتوای رسانه‌ای، جایگاهی متمایز در **قانون برنامه هفتم پیشرفت** دارد. تعیین تکلیف رشد سالیانه ۲۵ درصدی برای این رشته (در برابر رشد ۷ درصدی رشته‌های هنری دیگر)، نیازمند تحلیل مجزا و برآورد دقیق زیرساخت‌های فناورانه و انسانی آن است.

۴-۱. عملکرد کمی هنرستان‌ها و افق رشد هدف‌گذاری شده

قانون برنامه هفتم پیشرفت، با تعیین نرخ رشد متوسط سالیانه ۲۵ درصد برای رشته پویانمایی، عملاً هدف‌گذاری «جهش سه‌برابری» جمعیت هنرجویان این رشته را در یک بازه پنج‌ساله (رسیدن از ۶۴۷۹ نفر به نزدیک ۲۰,۰۰۰ نفر) ترسیم کرده است. این نرخ رشد استثنایی، نیازمند تغییرات ساختاری و تزریق پرفشار منابع است. روند تحقق این هدف براساس سال پایه (۱۴۰۳-۱۴۰۲) به این شرح است:

جدول ۹. برآورد تعداد هنرجویان رشته پویانمایی براساس تکلیف قانون برنامه هفتم پیشرفت [۲]

سال تحصیلی	وضعیت	تعداد هنرجویان پویانمایی (رشد متوسط سالیانه ۲۵ درصدی)	عملکرد واقعی	درصد رشد	انحراف از هدف سالیانه
۱۴۰۲-۱۴۰۳	سال پایه	۶,۴۷۹	۶,۴۷۹		-
۱۴۰۳-۱۴۰۴	سال اول اجرا	۸,۰۹۹	۷,۶۸۵	+۱۸/۶٪	-۶/۴٪
۱۴۰۴-۱۴۰۵	سال دوم اجرا	۱۰,۱۲۴	۸,۵۱۶	+۱۰/۸٪	-۱۴/۲٪
۱۴۰۵-۱۴۰۶	سال سوم اجرا	۱۲,۶۵۵	-	-	-
۱۴۰۶-۱۴۰۷	سال چهارم اجرا	۱۵,۸۱۹	-	-	-
۱۴۰۷-۱۴۰۸	سال پنجم اجرا (پایان برنامه)	۱۹,۷۷۴	-	-	-

تحلیل کلان و موشکافانه این جدول، نمایانگر چند چالش ساختاری از منظر سیاستگذاری آموزشی و اقتصاد هنر است:

● **پایان ظرفیت های نهفته و برخورد با محدودیت های ساختاری:** در سال اول اجرای برنامه، رشته پویانمایی رشد قابل توجه ۱۸/۶ درصدی را تجربه کرد. اما این جهش اولیه، بیش از آنکه حاصل توسعه قابل توجه زیرساخت های جدید باشد، اغلب ناشی از استفاده حداکثری از ظرفیت های نهفته و خالی موجود و تراکم در کلاس های فعلی بوده است. سقوط این نرخ به ۱۰/۸ درصد در سال دوم، نشان دهنده رویارویی نظام آموزشی با محدودیت های ساختاری است. در واقع، ظرفیت های فیزیکی و تجهیزاتی موجود به سرعت اشباع می شود و ساختار فعلی، کشش و انعطاف لازم را برای تداوم این مسیر رشد بدون مداخلات ویژه دولتی ندارد.

● **افت شتاب از جانب عرضه و تقاضا:** انحراف ۱۴/۲ درصدی از هدف قانون در سال دوم، نیازمند آسیب شناسی دقیق از منظر عرضه و تقاضاست. آیا این ریزش به این دلیل است که متقاضیان پشت در هنرستان ها مانده اند (ضعف دولت در سمت عرضه به دلیل تجهیزات میلیاردی)؟ یا اینکه دانش آموزان به دلیل ابهام در آینده شغلی و ضعف هدایت تحصیلی، تمایلی به ورود به این رشته نشان نداده اند (کشش ناکافی در سمت تقاضا)؟ بررسی شواهد آماری و میدانی نشان می دهد ترکیبی از هر دو عامل در این وضعیت مؤثر است [۲] [۷]. تازمانی که گره «اقتصاد پویانمایی» باز نشود و هنرجو احساس نکند که ورود به این رشته به اشتغالی پایدار و پردرآمد (در استودیوهای داخلی یا بازار بین المللی) ختم می شود و نیز تازمانی که دولت نتواند زیرساخت های گران قیمت این رشته را تأمین کند، شیب این رشد تندتر نخواهد شد.

● **خطر «کسری مرکب» در تحقق هدف:** در برنامه ریزی های کمی، عدم تحقق اهداف در سال های ابتدایی، به ایجاد یک «کسری مرکب» در سال های بعد منجر می شود. شکاف ۱,۶۰۸ نفری در سال دوم، بدین معناست که نظام آموزشی برای جبران این عقب ماندگی و رسیدن به هدف ۱۲,۶۵۵ نفری در سال سوم، باید رشدی بسیار فراتر از ۲۵ درصد (حدود ۴۸ درصد) را تجربه کند که باتوجه به بودجه و زیرساخت های فعلی، عملاً غیرممکن است.

● **اثر دومینویی بر تکالیف دیگر برنامه هفتم (تولید ۷۳۰۰ ساعت محتوا):** رشد ۲۵ درصدی پویانمایی، هدف انتزاعی نیست، بلکه یکی از پیش نیازهای تحقق تکلیف دیگر ماده (۷۴) قانون است که افزایش تولید پویانمایی به میزان ۷۳۰۰ ساعت را تا پایان برنامه الزام کرده است. افت شدید شتاب جذب هنرجو در همین گام های نخست، به معنای قطع شدن جریان حیاتی نیروی انسانی برای استودیوهای تولیدی است. تداوم این روند می تواند زیست بوم فرهنگی و خلاق کشور را در سال های پایانی برنامه با کمبود جدی نیروی مهارتی مواجه کند.

۲-۴. ناترازی پراکنش جغرافیایی و ملاحظات آمایش سرزمینی

بررسی توزیع استانی هنرجویان پویانمایی، نمایانگر یکی از چالش برانگیزترین مباحث در سیاستگذاری آموزش هنر است. داده های سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ نشان می دهد که نسبت هنرجویان پویانمایی به کل هنرجویان رشته های هنری در کشور به طور میانگین فقط حدود



۲ درصد است. در زمینه پراکنش جغرافیایی نیز یک «تمرکز شدید قطبی» مشاهده می‌شود؛ به طوری که حدود ۶۰ درصد کل هنرجویان پویانمایی کشور فقط در چهار استان (تهران با ۱۶۰۱ نفر، اصفهان با ۹۸۰ نفر، خراسان رضوی با ۷۹۷ نفر و البرز با ۷۴۷ نفر) متمرکز شده‌اند. در نقطه مقابل، استان‌هایی مانند کرمانشاه، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد هیچ هنرجویی در آموزش رسمی این رشته ندارند [۴] [۵]. تحلیل این ناترازی نیازمند عبور از نگاه‌های آماری تقلیل‌گرایانه و اتخاذ رویکردی مبتنی بر «اقتصاد فرهنگ» و «آمایش سرزمینی» است:

● **بازتعریف عدالت آموزشی در صنایع خلاق:** در نگاه سنتی و مساوات‌طلبانه، خالی بودن ظرفیت آموزش پویانمایی در برخی استان‌ها ممکن است معادل «محرومیت» و «بی‌عدالتی» تفسیر شود؛ اما در توسعه مهارت‌های مرتبط با صنایع فرهنگی و خلاق، عدالت به معنای توزیع برابر و مکانیکی یک رشته تخصصی در تمام شهرها و روستاها نیست. رشته پویانمایی یک هنر - صنعت به شدت سرمایه‌بر و وابسته به فناوری‌های نوین پردازشی، زیرساخت‌های ارتباطی و از همه مهم‌تر، شبکه استودیوهای تولید محتواست. تأسیس هنرستان پویانمایی در مناطقی که این زیرساخت‌های صنعتی و کشش بازار کار محلی را ندارند، صرفاً به هدرفت منابع محدود دولتی و «تولید نیروی کار بیکار» منجر خواهد شد.

● **توسعه «قطب‌محور» به جای «گسترش عرضی»:** راهبرد تحقق رشد ۲۵ درصدی در پویانمایی نباید بر پایه توزیع قطره‌چکانی بودجه در سراسر پهنه سرزمینی بنا شود. سیاست‌گذاری در این بخش باید رویکرد «توسعه قطب‌محور» را اتخاذ کند. بدین معنا که سرمایه‌گذاری‌های سنگین کالبدی و تجهیزاتی باید در استان‌هایی متمرکز شوند که خوشه‌های صنعتی پویانمایی و شرکت‌های خلاق در آنها شکل گرفته یا در حال تکوین است (نظیر قطب‌های فعلی و چند کلان‌شهر مستعد دیگر).

● **شاخص نفوذ استانی به جای مقایسه مطلق:** برای پایش عملکرد استان‌ها در تحقق اهداف برنامه هفتم، مقایسه اعداد مطلق میان استان‌های دارای بافت صنعتی با استان‌های پیرامونی، خطای راهبردی در ارزیابی ایجاد می‌کند. شاخص اصلی ارزیابی باید ارتقای «درصد نفوذ رشته پویانمایی نسبت به کل دانش‌آموزان همان استان» (متناسب با ظرفیت‌های اقتصاد محلی آن) باشد. در استان‌های فاقد ظرفیت‌های پایه برای صنعت پویانمایی، عدالت آموزشی ایجاب می‌کند که ظرفیت‌ها و هدایت تحصیلی به سمت رشته‌های مهارتی دیگری سوق یابد که با اقتصاد خرد و بومی آن منطقه همخوان باشد و به اشتغال واقعی منتهی شود.

۳-۴. انطباق وضعیت آموزش با واقعیت‌های زیست‌بوم هنر - صنعت پویانمایی

بررسی و ارزیابی وضعیت آموزش پویانمایی، بدون درک مختصات واقعی بازار کار و زیست‌بوم هنر - صنعت پویانمایی در کشور، به سیاست‌گذاری گلخانه‌ای و تربیت نیروی کار فاقد مهارت منجر خواهد شد. در حال حاضر، میان «خروجی نظام آموزش رسمی» و «نیازهای تقاضامحور زیست‌بوم تولید»، گسستی راهبردی وجود دارد که با بررسی ابعاد اقتصاد این هنر - صنعت، نمایان‌تر می‌شود:

● **رشد جهشی اقتصاد پویانمایی و تغییر سطح استانداردها:** زیست‌بوم هنری و صنعتی پویانمایی ایران در سال‌های اخیر به بلوغ و توان رقابت بین‌المللی رسیده است. اکران ۱۳ اثر سینمایی پویانمایی از سال ۱۴۰۱ تاکنون، با فروش بیش از ۸ میلیون بلیت و درآمد حدود ۳۵۰ میلیارد تومانی، پویانمایی را به یکی از سریع‌ترین حوزه‌های در حال رشد اقتصاد فرهنگ تبدیل کرده است. در کنار این بازار پررونق، بازیگران حاکمیتی تولید نیز ظرفیت‌های بالایی را فعال کرده‌اند (مراکز پویانمایی صبا با ۲۰۰ ساعت، سوره با ۵۰ ساعت، اوج با ۳۰ ساعت و مجتمع مهوا با ۲۵ ساعت تولید سالیانه) [۱۰]. این حجم از تولید و این گردش مالی، نیازمند نیروی کار مهارتی در تراز استانداردهای سینمایی و تلویزیونی است؛ در حالی که سرفصل‌ها، تجهیزات و سطح مهارت‌افزایی در هنرستان‌های فعلی، با این جهش کیفی و صنعتی همگام نشده‌اند.

● **تضاد «نیروی کار بیکار» در کنار «صنعت تشنه متخصص»:** در سراسر کشور حدود ۱۰۰ گروه و استودیوی کوچک و بزرگ تولید پویانمایی با جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰ نفر نیروی متخصص فعال اند [۱۰]. این استودیوهای خرد می‌توانند به عنوان بازوهای چابک تولید عمل کنند و بار اصلی هدف‌گذاری برنامه هفتم در تولید ۷۳۰۰ پویانمایی را به دوش بکشند. با وجود این، مدیران این استودیوها اغلب از «کمبود نیروی انسانی متخصص و آماده‌به‌کار» گلایه دارند [۱۰]. این تضاد نشان می‌دهد هنرجویانی که با تجهیزات فرسوده و سرفصل‌های قدیمی

هنرستان ها فارغ التحصیل می شوند، مهارت های لازم (نظیر کاربری ابزارهای تولید مجازی، زیرساخت های پردازش ابری یا هوش مصنوعی مولد در فرایندهای فنی) را برای جذب در این ۱۰۰ استودیو ندارند. نتیجه این گسست، برون داد نیروی انسانی دارای دیپلم پویانمایی، اما بیکار و ناتوان از ورود به اقتصاد این هنر - صنعت است.

در نهایت، رشته پویانمایی به عنوان اولویت راهبردی قانونگذار، با افت نرخ رشد به ۱۰/۸ درصد در سال دوم اجرای برنامه، انحرافی ۱۴/۲ واحد درصدی را از هدف گذاری قانون (رشد ۲۵ درصد) ثبت کرده است. واکاوی روند موجود نشان می دهد که ساختار فعلی آموزش رسمی بدون مداخلات ویژه، سقف جذبی در حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ هنرجو در سال دارد؛ در حالی که برای ارتقای سهم این رشته از حدود ۲ درصد فعلی به ۵ درصدی از کل هنرجویان هنر، جمعیت آن باید تا پایان برنامه نزدیک به سه برابر شود. تحقق این جهش، در سمت عرضه با سد سنگین هزینه های تأمین «ایستگاه های کاری^۱ تخصصی» و چالش های صلب قانونی در جذب «هنرآموزان حرفه ای» مواجه است [۲]. حل نشدن فوری این چالش های زیرساختی و انسانی، با ایجاد اثر دومینویی، شریان حیاتی تأمین نیروی مهارتی را قطع می کند و تحقق تکلیف کلان تولید ۷۳۰۰ ساعت پویانمایی بومی و پایداری بازار پررونق و ۳۵۰ میلیارد تومانی این هنر - صنعت را در برنامه هفتم پیشرفت با مخاطره جدی روبه رو خواهد کرد.

۵. برآورد الزامات تحقق رشد هنرجویان رشته پویانمایی

تحقق نرخ رشد سالیانه ۷ درصد در کل هنرجویان هنرستان های هنری و ۲۵ درصد در هنرجویان رشته پویانمایی، مستلزم تأمین هم زمان الزامات گوناگون زیرساختی، بودجه ای، نیروی انسانی و... است. با این حال، با توجه به تمرکز راهبردی قانون برنامه هفتم پیشرفت بر رشد ۲۵ درصدی رشته پویانمایی و نیز گستردگی و تنوع فراوان رشته های مختلف هنری، در ادامه صرفاً برآورد الزامات مختلف تحقق رشد هنرجویان رشته پویانمایی، به عنوان یک نمونه هدفمند و راهبردی، براساس داده ها و اطلاعات دریافت شده از دستگاه های مربوطه ارائه می شود.

تحقق جهش سه برابری در تعداد هنرجویان رشته پویانمایی، بدون برآورد و تأمین دقیق استانداردهای کالبدی و ظرفیت های انسانی مهارتی، به یک «تحقق صوری» بافت شدید کیفیت آموزشی منجر خواهد شد. برخلاف رشته های نظری یا هنرهای سنتی، پویانمایی هنری به شدت «سرمایه بر» و «فناوری محور» است و توسعه آن مستلزم تزریق منابع هدفمند و طراحی الگوهای نوین در جذب نیروی انسانی است.

۵-۱. الزامات کالبدی و تجهیزات فناورانه کلاس های کارگاهی

رشد کمی هنرجویان پویانمایی بدون تأمین فضاهای آموزشی استاندارد و تجهیزات روزآمد، به افت کیفیت مهارت آموزی و انحراف از اهداف قانون برنامه هفتم پیشرفت منجر خواهد شد. از این رو، برآورد الزامات کالبدی و تجهیزاتی بر پایه شاخص های استاندارد اعلام شده توسط دستگاه های مربوطه به این شرح است:

- **شاخص های استاندارد فضا و ظرفیت:** برای تضمین کیفیت آموزش های کارگاهی، شاخص های زیر، که توسط وزارت آموزش و پرورش اعلام شده اند [۲]، مبنای توسعه کالبدی قرار گرفته اند:
- **ظرفیت هر کلاس:** حداکثر ۱۵ نفر هنرجو برای هر کلاس / کارگاه تخصصی.
- **استاندارد مساحت کالبدی:** اختصاص حداقل ۲۵ مترمربع فضا برای هر کلاس / کارگاه آموزشی (جهت فراهم شدن فضای کافی برای استقرار ایستگاه های کاری و تجهیزات).
- **تجهیزات کارگاهی:** به ازای هر ۳ نفر هنرجو، تأمین حداقل یک دستگاه رایانه و متعلقات حرفه ای [۲].



■ **هزینه راه‌اندازی یک رشته محل پویانمایی:** رشته پویانمایی به دلیل وابستگی شدید به سخت‌افزارها و فناوری‌های وارداتی، پرهزینه‌ترین بخش در تجهیز هنرستان‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در برآوردهای دقیق و اولیه استعلام‌شده از وزارت آموزش و پرورش در بهمن‌ماه ۱۴۰۴، هزینه تجهیز صفر تا صد یک کلاس ۱۵ نفره پویانمایی در سه پایه (رشته‌محل)، حدود ۲/۹۲ میلیارد تومان محاسبه شده بود که به‌طور کلی چهار دسته اقلام و تجهیزات را شامل می‌شود:

● **اقلام سرمایه‌ای کلیدی (۱/۹ میلیارد تومان):** شامل رایانه‌های دارای توان پردازشی بالا (حداقل نسل هفتم^۱)، لپ‌تاپ‌های صنعتی، دوربین‌های دی‌اس‌ال‌آر^۲، میز نور پویانمایی، میز مخصوص ترسیم، پویشگر^۳ و چاپگر لیزری.

● **تجهیزات تخصصی (۶۵۰ میلیون تومان):** شامل قلم‌های نوری^۴، مبدل شبکه، دستگاه پخش (ویدئو پروژکتور)، تجهیزات تخصصی نورپردازی (فرنل و سافت لایت) و میز رایانه.

● **اقلام نیمه‌سرمایه‌ای (۲۸۰ میلیون تومان):** شامل سه پایه دوربین، سه پایه نقاشی (فلزی/چوبی)، فضای ذخیره‌سازی خارجی^۵، صندلی کارگاهی و کیف حمل تجهیزات.

● **اقلام مصرفی (۹۰ میلیون تومان):** شامل کاغذ طراحی، رنگ آکرلیک، خمیر مجسمه‌سازی، مواد ساخت عروسک، لامپ‌های یدک و نوشت‌افزار تخصصی [۲].

با این حال، باید دقت کرد که رقم اعلامی، هزینه تجهیز صرفاً یک «کلاس درس» نیست؛ بلکه هزینه راه‌اندازی یک «رشته‌محل (کارگاه تخصصی)» است که به‌صورت متمرکز، نیازهای کارگاهی هنرجویان هر سه پایه تحصیلی (دهم، یازدهم و دوازدهم) را در یک هنرستان تأمین می‌کند. افزون بر این، با توجه به تورم و نوسانات نرخ ارز متأثر از شرایط جنگی، سیاسی و اقتصادی ماه‌های اخیر، هزینه تجهیز این کارگاه تخصصی (شامل رایانه‌های پردازش سنگین، قلم‌های نوری، اقلام نیمه‌سرمایه‌ای و دیگر موارد مذکور) افزایش حداقل دوبرابری را تجربه کرده است و در حال حاضر، تأمین تجهیزات استاندارد برای یک رشته‌محل پویانمایی، رقمی بالغ بر ۶ میلیارد تومان تخمین زده می‌شود.

● **نیاز به ایجاد ظرفیت‌های جدید:** با رویکرد «تحلیل تفاضلی» (کسر ظرفیت موجود از نیاز برنامه) و مبتنی بر برآورد نیاز به فضای فیزیکی جدید در بخش دولتی، برای پوشش جمعیت هدف در پایان سال ۱۴۰۷، ایجاد مجموعاً ۱،۱۵۷ کلاس درس جدید در بخش دولتی پیش‌بینی می‌شود. این درحالی است که عملکرد سال‌های اول و دوم اجرای برنامه، به ترتیب نشان‌دهنده شکافی معادل ۱۳۷ و ۲۱۹ کلاس جدید میان ظرفیت موجود و اهداف برنامه است [۲]. همچنین از آنجاکه هر سه کلاس (پایه‌های سه‌گانه)، به استقرار یک «کارگاه مرکزی (رشته‌محل)» نیاز دارند، نظام آموزشی برای تحقق این هدف نیازمند تأسیس و تجهیز حدود ۳۸۵ کارگاه جدید است. ضرب این تعداد در هزینه‌های به‌روزرسانی شده (حداقل ۶ میلیارد تومان)، نشان‌دهنده نیاز به اعتباری بالغ بر ۲،۳۰۰ میلیارد تومان (۲/۳ همت) صرفاً برای تأمین سخت‌افزارهای اولیه است.

۲-۵. الزامات نیروی انسانی (هنرآموز و استادکار تخصصی)

تأمین تجهیزات میلیاردی، بدون حضور استادکارانی که به‌طور مستقیم درگیر بازار تولیدند، کارگاه‌های آموزشی را به انباشتگاه سخت‌افزارها تبدیل خواهد کرد. همچنین آموزش پویانمایی نیازمند انتقال تجربه از قلب استودیوهای تولیدی به درون کلاس درس است. بنابراین برآورد نیازهای این بخش طبق رویکرد «تحلیل تفاضلی» و نیز با مبنا قرار دادن استانداردهای مصوب آموزش و پرورش، برای هر کلاس - رشته ۳۶

1. Core i7
2. DSLR
3. Scanner
4. A3
5. Digital Pen
6. External Hard Drive

ساعت تدریس هفتگی و ۶۰ ساعت تدریس در مجموع سه پایه، در نظر گرفته می شود. همچنین مطابق با همین استانداردهای کارگاهی، در رشته های تخصصی نظیر پویانمایی، به ازای هر ۱۰ هنرجو، حضور ۳ هنرآموز/استادکار تخصصی و یک نیروی اجرایی (پشتیبان فنی) الزامی است. با احتساب این استانداردهای متراکم، برای پوشش کارگاه های جدید پیش بینی شده صرفاً در بخش دولتی، جذب و به کارگیری مجموعاً ۱،۹۴۴ نفر هنرآموز و استادکار جدید تا پایان برنامه ضروری است (توزیع زمانی این نیاز در طی پنج سال اجرای برنامه، به ترتیب ۲۳۸، ۲۹۸، ۳۷۰، ۴۶۵ و ۵۷۳ نفر است). علاوه بر مدرسان، تأمین نیروی انسانی متناسب با ساختار اداری هنرستان (شامل معاون آموزشی، معاون اجرایی و سرپرست بخش) نیز الزامی است [۲] [۹]. همچنین از منظر تأمین مالی، هزینه حق التدریس سالیانه به ازای هر هنرجوی پویانمایی در سال ۱۴۰۴، حدود ۶۱،۱۰۰،۰۰۰ ریال (۶/۱ میلیون تومان) برآورد شده است [۷].

۶. موانع و چالش های رشد هنرستان های هنری

تحقق نرخ رشد متوسط سالیانه ۷ درصدی در کل رشته های هنری و جهش ۲۵ درصدی در رشته پویانمایی، پیش از آنکه نیازمند تزریق اعتبارات کالبدی باشد، مستلزم رفع موانع نهادی، تقنینی و اقتصادی بازدارنده ای است که مانع از توسعه متوازن و اتصال طبیعی «آموزش» به «بازار کار» می شوند. آسیب شناسی وضعیت موجود نشان می دهد که ساختار فعلی توسعه هنرستان ها، با شبکه ای از چالش های درهم تنیده مواجه است که بدون اتخاذ تدابیر تقنینی و تنظیمگرانه برای رفع آنها، اهداف کمی ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت با خطر تحقق نیافتگی روبه رو خواهد شد. این چالش ها در چهار کلان روند «حکمرانی»، «اقتصاد آموزش»، «تأمین نیروی انسانی» و «گسست های زنجیره ارزش (از نقطه ورود تا بازار کار)» قابل دسته بندی اند که در قالب هفت محور اصلی به این شرح واکاوی می شوند:

۶-۱. چالش های حکمرانی: ناهماهنگی نهادی در سیاستگذاری آموزش هنر

نخستین و راهبردی ترین چالش در مسیر توسعه کمی و کیفی هنرستان ها، غلبه رویکرد جزیره ای در مدیریت زیست بوم آموزش هنر و ناکارآمدی نهادهای بالادستی در ایجاد انسجام میان دستگاهی است. اگرچه قانونگذار با تصویب «قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی» (مصوب ۱۳۹۶/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی) و به موجب آن، ایجاد «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی» (به ریاست معاون اول رئیس جمهور و عضویت وزرای متولی از جمله آموزش و پرورش و فرهنگ و ارشاد اسلامی)،^۱ بستر قانونی لازم را برای ایجاد یک «پنجره واحد سیاستی» فراهم کرده است، در عمل این جایگاه فرادستگاهی نتوانسته است سیاستگذاری، هم افزایی و تقسیم کار مشخصی را در زیست بوم خاص «آموزش هنر» رقم بزند. در نتیجه این خلأ عملیاتی، بازیگران و متولیان متعددی از جمله وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و حوزه هنری همچنان در عرصه آموزش رسمی هنر (در مقطع متوسطه دوم) دچار موازی کاری و ناهماهنگی اند. اگرچه این تنوع بازیگران فنی نفسه یک ظرفیت برای توسعه محسوب می شود، به دلیل عدم اعمال تنظیمگری یکپارچه و فقدان سازوکار هماهنگی، به تعارض نهادی و هدررفت بخش قابل توجهی از منابع منجر شده است.

افزون بر این، ناهماهنگی موجود به ناپایداری منابع در هنرستان های وابسته منجر شده است. جریان تأمین مالی این هنرستان ها در قوانین بودجه ای شفاف نیست؛ به طوری که سرانه دانش آموزی آموزش و پرورش به درستی به حساب این هنرستان ها واریز نمی شود و از سوی دیگر،

۱. بنابر بند «۱» ماده (۶) این قانون، اعضای شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی عبارت اند از: ۱. معاون اول رئیس جمهور (رئیس شورا)، ۲. وزیر آموزش و پرورش، ۳. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، ۴. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۵. وزیر صنعت، معدن و تجارت، ۶. وزیر جهاد کشاورزی، ۷. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۸. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۹. رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۰. دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی (یک نفر از کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری و یک نفر از کمیسیون اجتماعی) با تصویب مجلس به عنوان ناظر، ۱۱. رئیس اتاق تعاون ایران (بدون حق رأی)، ۱۲. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (بدون حق رأی)، ۱۳. رئیس اتاق اصناف ایران (بدون حق رأی)، ۱۴. سه نفر از متخصصین و صاحب نظران در آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی و بازار کار (بدون حق رأی).



دستگاه متولی اصلی نیز خود را مسئول تأمین تجهیزات آنها نمی‌داند. اگرچه این هنرستان‌ها به دلیل ماهیت کارگاهی خود، ظرفیت بالقوه بالایی برای کسب «درآمدهای اختصاصی» (از طریق تولید محصولات هنری، پذیرش سفارش‌های برون‌سپاری شده و خدمات کارگاهی) دارند، به دلیل فقدان سازوکارهای شفاف و منعطف قانونی برای نگهداشت و استفاده مستقیم این درآمدها (و الزام به واریز کامل به خزانه کل بدون تضمین بازگشت)، این ظرفیت درون‌زای اقتصادی در عمل خنثی شده است. ترکیب این خلأهای قانونی و بودجه‌ای باعث شده است تا مدیریت این هنرستان‌ها برای تأمین هزینه‌های بالای کارگاه‌ها، به رویکرد انفعالی «شهریه‌محوری» روی بیاورند؛ رویکردی که بار مالی را به طور مستقیم بر دوش خانواده‌ها می‌گذارد و عدالت آموزشی را در دسترسی به هنرستان‌های باکیفیت مخدوش می‌سازد [۲] [۷] [۹]. پیامدهای این گسست و ناهماهنگی در دو سطح نمایان است:

۱- ناهماهنگی در آمایش سرزمینی و توسعه رشته‌ها: هر یک از دستگاه‌های متولی، برنامه‌های توسعه‌ای، تأسیس هنرستان‌ها و گزینش رشته‌های خود را غالباً بدون توجه به نقشه‌راه دستگاه‌های دیگر و بدون در نظر گرفتن «مزیت‌های اقتصادی منطقه‌ای» پیش می‌برند. نتیجه این امر، ایجاد تراکم نامتوازن در برخی کلان‌شهرها و هم‌زمان، غفلت مشترک دستگاه‌ها از توسعه هدفمند خوشه‌های صنعتی هنر در دیگر مناطق مستعد است.

۲- تعارض در استانداردها و الگوهای بهره‌برداری: فقدان حکمرانی یکپارچه باعث شده است تا الگوهای تأمین فضا، استانداردهای تجهیزاتی و شیوه‌های جذب هنرآموز در میان این نهادها متفاوت و گاه متعارض باشد. برای نمونه، در حالی که وزارت آموزش و پرورش در برخی رشته‌ها با کمبود فضای فیزیکی و تراکم کلاس‌ها روبه‌روست، ظرفیت‌های قابل توجهی در هنرستان‌های وابسته (نظیر حوزه هنری) بدون استفاده باقی مانده‌اند.

بنابراین، تازمانی که یک سازوکار تنظیم‌گرانه برای هم‌افزایی بودجه‌ها، یکپارچه‌سازی استانداردهای آموزشی و تقسیم کار ملی (مبتنی بر ظرفیت اختصاصی هر دستگاه، نظیر تمرکز صدا و سیما بر پویانمایی و حوزه هنری بر هنرهای تجسمی و نمایشی) شکل نگیرد، دستیابی به رشد هدف‌گذاری شده در قانون، با اصطکاک بالایی ساختاری مواجه خواهد بود.

۲-۶. چالش‌های اقتصاد آموزش: موانع تأمین مالی و ضعف مشارکت بخش غیردولتی

توسعه کمی هنرستان‌های هنری، به‌ویژه در رشته‌های سرمایه‌بر و فناوری‌محوری چون پویانمایی (با برآورد هزینه حدود ۶ میلیارد تومان برای تجهیز هر کارگاه)، بار مالی سنگینی به همراه دارد که تأمین کامل آن از طریق منابع عمومی و تصدی‌گری صرف دولتی، در شرایط انقباضی بودجه عملاً امکان‌پذیر نیست. در چنین شرایطی، مشارکت بخش غیردولتی الزامی‌گریزناپذیر است. با این حال، سهم این بخش در حال حاضر فقط حدود ۱۲/۶ درصد از کل هنرستان‌های هنری است. ریشه این عدم استقبال را می‌توان در سه چالش مهم اقتصاد آموزش جست‌وجو کرد:

۱- ابهام و فقدان ضمانت اجرایی در «بسته‌های تشویقی» و مدل‌های مشارکتی: اگرچه در اسناد بالادستی و قوانین برنامه، همواره بر «حمایت از بخش خصوصی» تأکید شده است، این حمایت‌ها فاقد شفافیت و سازوکارهای عملیاتی‌اند. تأسیس هنرستان‌های هنرهای رقص و پویانمایی به دلیل نیاز به زیرساخت‌های گران‌قیمت پردازشی و فضاهای کارگاهی وسیع، هزینه‌های سرمایه‌ای بالایی دارد و فاقد توجیه اقتصادی اولیه برای سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی است [۲] [۷]. در صورت فقدان مشوق‌های حاکمیتی، بار مالی توسعه این کارگاه‌ها کاملاً بر دوش دولت خواهد افتاد. جذب استودیوهای تولیدی و شرکت‌های دانش‌بنیان به عرصه «آموزش جوار کارخانه»، مستلزم تغییر ریل از «تسهیلات اسمی» به «مشوق‌های واقعی، گمرکی و مالیاتی» است. تازمانی که این مشوق‌ها (نظیر اختصاص زمین، معافیت‌های مالیاتی قطعی و تسهیلات ارزی) در قالب یک «بسته تشویقی الزام‌آور» تدوین نشوند، بخش خصوصی حاضر به پذیرش مخاطرات این حوزه نخواهد بود.

۲- غفلت و انحراف در ظرفیت قانونی «برون‌سپاری مهارتی» و «خرید خدمات آموزشی»: یکی از تناقضات مشهود در حکمرانی آموزش هنر، اصرار دولت بر «احداث و تجهیز کارگاه‌های جدید»، هم‌زمان با وجود «ظرفیت‌های خالی در بخش غیردولتی» (نظیر

هنرستان های حوزه هنری یا استودیوهای تولید پویانمایی) است. این در حالی است که در قانون بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور (همچون سال های گذشته) ردیف مستقلی تحت عنوان «برون سپاری در آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش» با شماره طبقه بندی ۱۲۷۵۹۳ و با اعتباری بالغ بر ۴۴۰ میلیارد تومان ذیل «جدول ۷-ب» برای وزارت آموزش و پرورش تصویب شده است. اگرچه استقلال این ردیف نقطه قوت تقنینی است، تخصیص و مصرف آن در حوزه هنرهای رقصی و صنایع فرهنگی و خلاق با سه مانع ساختاری روبه روست؛ نخست، کمبودی شدید این اعتبار در برابر نیاز واقعی هنرجویان و استانداردهای آموزشی باعث شده تا ادارات کل استانی، این بودجه محدود را عمدتاً به برون سپاری رشته های ارزان قیمت و خدماتی اختصاص دهند تا آمار کمی پوشش خود را بالا ببرند؛ در نتیجه رشته های سرمایه بر و راهبردی نظیر پویانمایی تقریباً سهمی از این اعتبارات ندارند. دوم، یکسان انگاری در تعیین تعرفه های خرید خدمات باعث شده است تا سرانه های پرداختی دولتی، هزینه های استهلاک تجهیزات گران قیمت استودیوها را پوشش ندهد. سوم، الزام بخشنامه ای به عقد قرارداد صرفاً با مؤسسات دارای «مجوز رسمی آموزشی»، موجب شکل گیری نوعی انحصار اداری (بوروکراتیک) شده و استودیوهای حرفه ای تولید محتوا را از چرخه مشارکت حذف کرده است.

۳- تضاد میان «عمر مفید فناوری» و «فرایندهای اسقاط اموال دولتی»: بررسی «جدول استهلاکات موضوع ماده (۱۴۹) قانون مالیات های مستقیم» (بخشنامه ۲۰۰/۹۶/۱۷۴ وزارت امور اقتصادی و دارایی، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۸)، نشان می دهد که قانونگذار با درک سرعت دگرگونی های فناورانه، عمر مفید «انواع نرم افزار، سیستم های رایانه ای و تجهیزات سخت افزاری وابسته» را ۳ سال و «ماشین آلات و تجهیزات سینمایی، فیلم برداری، عکاسی، صداگذاری، نورپردازی، حرکتی، مونتاژ، چاپ و ظهور فیلم و دوبلاژ، نمایش فیلم و آپارات ها، سیستم صدا و نمایش دیجیتال و موارد مشابه» را ۶ سال تعیین کرده است. این بازه سه ساله، دقیقاً منطبق بر چرخه عمر فناوری در ایستگاه های کاری نماپردازی (رندرینگ) و صنعت پویانمایی است. باین حال، چالش اصلی در نظام مدیریت اموال دولتی (به ویژه ماده (۱۱۲) قانون محاسبات عمومی کشور) نهفته است. طبق این ماده، در صورت اسقاط و فروش اموال منقول دولتی، «وجوه حاصل از فروش باید به حساب درآمد عمومی واریز شود». این الزام قانونی، بزرگترین مانع در مسیر نوسازی کارگاه های فناوری محور در هنرستان هاست؛ زیرا مدیر هنرستان می داند که با فروش ایستگاه های کاری پس از عمر مفید سه ساله، درآمد حاصله به خزانه کل کشور واریز می شود و هیچ بودجه ای برای جایگزینی تجهیزات به هنرستان باز نمی گردد. این مانع حقوقی (از دست دادن همزمان کالا و بودجه)، باعث انباشت رایانه های مستهلک در کارگاه ها می شود و هنرجویان مجبورند با ابزارهایی آموزش ببینند که توان اجرای نرم افزارهای روز بازار کار حرفه ای را ندارند [۲] [۷].

۳-۶. چالش های سرمایه انسانی: موانع تقنینی و ساختاری در تأمین و نگهداشت نیروی تخصصی

توسعه کمی و کیفی هنرستان ها، چه در سمت «تأمین اساتید متخصص» و چه در سمت «اشتغال فارغ التحصیلان»، با موانع قانونی غیرمنعطفی مواجه است که نیازمند تغییر رویکرد در قانونگذاری است:

۱- موانع جذب مدرسان پاره وقت: آموزش های کارگاهی نیازمند اساتیدی است که همزمان در خط مقدم صنعت حضور دارند. اما طبق ماده (۴۷) قانون مدیریت خدمات کشوری، به کارگیری این افراد ممنوع است و ماده (۱۷) نیز فقط اجازه عقد قرارداد با «شرکت ها» را از طریق «مناقصه» می دهد. این چارچوب، دست مدیران را برای عقد قرارداد ساعتی با یک «شخص حقیقی متخصص در بازار» می بندد. از سوی دیگر، تعرفه های اندک حق التدریس نیز توان رقابت با درآمدهای بازار آزاد تولید محتوا را ندارد [۲] [۷] [۹].

۲- عدم انعطاف «طرح طبقه بندی مشاغل معلمان» در استخدام رسمی: نظام آموزشی برای مدیریت کارگاه ها نیازمند هسته مرکزی هنرآموزان تمام وقت است. اما شرایط احراز شغل در «طرح طبقه بندی مشاغل معلمان» (مصوب ۱۴۰۰ شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی)، منحصرأ بر «تطابق عینی مدارک دانشگاهی» استوار است. در نتیجه، یک هنرمند تراز اول که سوابق مهارتی برجسته دارد اما فاقد مدرک دانشگاهی مصوب است، از ورود به بدنه رسمی بازمی ماند.



۳- موانع استخدام فارغ التحصیلان مهارتی: بند «و» ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری، «مدرک تحصیلی دانشگاهی» را شرط عمومی استخدام دولتی قرار داده است. تبصره «۵» همین ماده نیز جذب نیرو با مدرک دیپلم را به شدت محدود و صرفاً به موارد خاص منوط کرده است. این رویکرد مدرک گرایانه، مسیر اشتغال نیروهای فنی ماهر (دارای دیپلم هنرستان) را در بدنه اجرایی دچار چالش، و فلسفه آموزش مهارتی (اشتغال سریع و بدون تأخیر) را نقض می‌کند.

۴-۶. گسست در مقطع ورودی: نگاه تقلیل گرایانه در نظام هدایت تحصیلی و غفلت از استعدادها

ریشه بسیاری از ناکارآمدی‌ها پیش از ورود به هنرستان و در مقطع هدایت تحصیلی شکل می‌گیرد که با دو خطای راهبردی مواجه است: خطای نخست، رویکرد «توسعه کور و مبتنی بر عرضه» است؛ در حالی که منطق اقتصاد آموزش حکم می‌کند توسعه ظرفیت هنرستان‌ها، باید منوط و مؤخر بر «توسعه خود صنایع فرهنگی و خلاق و ایجاد نیاز در بازار کار» باشد. خطای دوم، نگاه تقلیل گرایانه به هنرستان‌ها به عنوان «مقصد سرریزی» دانش‌آموزانی است که در رشته‌های نظری حدنصاب نیاورده‌اند. نظام مشاوره تحصیلی، در تبیین «اقتصاد هنر» و معرفی رشته‌هایی مانند پویانمایی به عنوان یک صنعت خلاق و ارزآور نیز اغلب ضعیف عمل می‌کند [۲] [۷]. از طرف دیگر، ماده (۳) «آیین‌نامه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان» (مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ شورای عالی آموزش و پرورش) با تمرکز ۳۵ درصدی بر «نمرات کتبی دروس متوسطه اول» و سکوت در برابر «سنجش عملی»، عملاً جذب هنرجویان مستعد براساس نمونه کار (پورتفولیو) را نادیده گرفته است. هدایت اجباری و سرریزی دانش‌آموزان فاقد انگیزه به کارگاه‌های تخصصی (صرفاً برای پر کردن سقف ظرفیت کلاس‌ها)، نه فقط منزلت این هنر - صنعت‌های نوین را مخدوش می‌کند، بلکه به معنای هدررفت سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیاردی دولت در تجهیز این کارگاه‌هاست.

افزون بر این، از نخبگان مهارتی در مدارس استعدادهای درخشان (سمپاد) نیز در این زمینه غفلت شده است. با وجود تصریح بند «۴» ماده (۳) اساسنامه «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» (مصوب ۱۳۹۷/۷/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی) مبنی بر الزام این سازمان به «هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان صاحب استعدادها برتر برای رفع نیازها و اولویت‌های علمی، فناوری، فرهنگی، ادبی، هنری و مدیریتی کشور»، سهم نخبگان هنری در مدارس سمپاد در حال حاضر بسیار ناچیز است (حدود ۰/۰۸ درصد از تعداد کل هنرجویان زمینه هنر)^۱ و ظرفیت این ساختار نخبگانی به رشته‌های نظری محدود شده است. چنین وضعیتی، منزلت آموزش مهارتی را در نگاه خانواده‌ها و استعدادهای برتر نیز کاهش داده است.

۵-۶. گسست در مسیر ارتقای تحصیلی: مانع کنکور و عدم تناسب در نظام سنجش و پذیرش آموزش عالی

یکی از چالش‌های نظام آموزش مهارتی، فقدان پیوستگی متوازن میان مقطع متوسطه دوم و مقطع آموزش عالی است. طبق تبصره ماده (۴) مصوبه «سیاست‌ها و ضوابط سامان‌دهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی» (مصوب ۱۴۰۰/۴/۱۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی)، تمام متقاضیان به داشتن سوابق تحصیلی مرتبط و کامل ملزم‌اند؛ این در حالی است که برای هنرجویان شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش، امتحانات نهایی کشوری در دروس تخصصی کارگاهی وجود ندارد. این خلأ ساختاری باعث می‌شود هنرجویان برای تأمین سهم تعیین شده برای سابقه تحصیلی، ناچار به شرکت در امتحانات نهایی دروسی شوند که خارج از برنامه رسمی آموزشی آنها بوده است. از سوی دیگر، وزن اندک ارزیابی‌های عملی در نمره کل نهایی، امکان رقابت عادلانه استعدادهای مهارتی را با داوطلبان رشته‌های نظری تضعیف کرده است. همچنین باید توجه داشت اعمال هر گونه سهمیه‌بندی انحصاری، تغییر بنیادین استانداردهای سنجش نظری یا ایجاد مانع برای ورود دانش‌آموزان سایر شاخه‌ها به آموزش عالی هنر، می‌تواند به بروز تبعیض، کاهش غنای علمی دانشگاه‌ها و نقض اصل عدالت آموزشی منجر شود.

۱. در مجموع ۲۹۹ هنرجوی دختر در قالب ۸ مرکز آموزشی، در شهرهای تهران، مشهد، کرج، ساری، اصفهان، اهواز، یزد و اردکان و در سه رشته فتو-گرافیک (۲۵۵ نفر)، گرافیک (۳۸ نفر) و پویانمایی (۳۶ نفر) [۲].

۶-۶. گسست در مسیر گذار به بازار کار: توقف زنجیره مهارت در برخورد با نظام وظیفه

فلسفه اصلی آموزش های هنرستانی (فنی و حرفه ای و کار دانش)، ورود مستقیم و بی واسطه فارغ التحصیلان به بازار کار بلافاصله پس از اخذ دیپلم است. با این حال، این مسیر برای بخش قابل توجهی از هنرجویان پسر (در همه رشته های مهارتی) به دلیل مواجهه با خدمت سربازی، دچار گسست و توقف می شود. این وقفه حدود دوساله در نقطه گذار از آموزش به بازار کار، چالشی چندوجهی است که پیامدهای جبران ناپذیری بر اقتصاد هنر و تحقق اهداف برنامه هفتم دارد:

❶ **افت مهارت و استهلاک سرمایه انسانی در رشته های فناوری محور:** در هنر - صنعت هایی نظیر پویانمایی، سینما و هنرهای رقصی که سرعت تغییرات فناورانه (نظیر به روزرسانی مداوم نرم افزارها و ابزارهای هوش مصنوعی) در آنها بسیار بالاست، دو سال دوری از ایستگاه های کاری و فضای کارگاهی، عملاً به معنای منقضی شدن عمده مهارت های هنرجو است. هنرجویی که پس از دو سال وقفه به بازار برمی گردد، نیازمند بازآموزی مجدد است و غالباً انگیزه و شبکه ارتباطی خود را با استودیوها از دست داده است. این پدیده، سرمایه گذاری سه ساله نظام آموزشی برای تربیت این نیروی مهارتی را عملاً خنثی می کند.

❷ **ناکارآمدی الگوهای موجود (امریه های اداری) در حفظ مهارت:** در حال حاضر، محدود سازوکارهای موجود برای بهره گیری از ظرفیت نخبگان یا فارغ التحصیلان در دوره سربازی، عمدتاً به الگوهای سنتی «امریه در دستگاه های دولتی» محدود می شود. آسیب شناسی این رویکرد نشان می دهد که به کارگیری یک متخصص فنی پویانمایی یا طراح گرافیک به عنوان نیروی اداری، مسئول بایگانی یا کاربر دفتری در یک نهاد دولتی، نه فقط مانع از افت مهارت او نمی شود، بلکه او را به طور کامل از زیست بوم تولید محتوا منزوی می سازد. در واقع، ساختار فعلی فاقد انعطاف لازم برای هدایت نیروی انسانی هنری به فضاهای واقعی تولید (مانند استودیوها و شرکت های خلاق) است.

❸ **اختلال در تأمین نیروی تولید ملی (مخاطره برای اهداف برنامه هفتم):** قطع شدن ارتباط مستقیم فارغ التحصیلان با بازار کار به دلیل محدودیت های نظام وظیفه، استودیوهای تولیدی را از تزریق نیروی کار مهارت آموخته تازه نفس محروم می کند. این گسست نیروی انسانی در زنجیره ارزش صنایع فرهنگی و خلاق، تحقق تکالیف ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت (از جمله تولید ۷۳۰۰ ساعت پویانمایی) را که نیازمند فعالیت مستمر و بی وقفه تیم های تولیدی است، با چالشی جدی در سمت تأمین نیروی کار مواجه می سازد.

۶-۷. گسست در مقطع خروجی: موانع اشتغال رسمی و فقدان نظام صلاحیت حرفه ای

برجسته ترین ناکارآمدی در زنجیره ارزش آموزش هنر، در مرحله پایانی و هنگام اتصال فارغ التحصیلان به بازار کار نمایان می شود. در شرایط رونق پرشتاب صنایع فرهنگی و خلاق در سطح جهان و نیازمندی استودیوهای داخلی به نیروی کار، نرخ بیکاری فارغ التحصیلان هنر در کشور بالاتر از دیگر گروه های شغلی است [۳]. ریشه این تضاد آشکار را می توان در سه مانع ساختاری در اقتصاد این حوزه جست و جو کرد:

● **فقدان نظام صلاحیت حرفه ای:** بازار کار در صنایع فرهنگی و خلاق، هنرهای رقصی و پویانمایی، در اغلب موارد یک بازار مبتنی بر طرح (پروژه) ها و نیروهای آزادکار (فریلنسر) است. در این زیست بوم، مدارک تحصیلی مرسوم (موضوع بند «۸» ماده (۲) قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی) ارزش استخدامی چندانی ندارند و کارفرمایان عمدتاً براساس «نمونه کارهای عملی» (پورتفولیو) اقدام به جذب نیرو می کنند. با این حال، فقدان اجرای دقیق قانون مذکور در حوزه هنر باعث شده است تا هنرجویان، فاقد مدارک معتبر غیررسمی (گواهی نامه های شایستگی موضوع بند «۹» ماده (۲) قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی) باشند که قابلیت ترجمه به «رتبه شغلی» (نظیر اجراکار ماهر یا دستیار فنی) و «تعرفه دستمزد» در بازار کار را داشته باشد. این خلأ، به عدم شفافیت در قراردادهای بهره کشی نیروی کار جوان و ناتوانی در پوشش بیمه ای هنرمندان خویش فرما منجر می شود.

● **موانع ابزاری در اقتصاد غیررسمی (فریلنسری):** بخش بزرگی از اقتصاد هنر، مبتنی بر آزادکاری (فریلنسری) است. با این حال، هنرجو پس از فراغت از تحصیل، به دلیل قیمت گزاف تجهیزات سرمایه ای (نظیر قلم های نوری، دوربین های حرفه ای و ایستگاه های کاری قدرتمند)



توان راهاندازی یک کسب‌وکار خرد خانگی را نیز ندارد و در همان گام نخست با تنگناهای مالی مواجه می‌شود.

● **شکندگی بازار و ضعف حقوق مالکیت فکری:** اقتصاد صنایع خلاق در کشور به دلیل ضعف‌های بنیادین در تضمین حقوق مالکیت فکری (کپی‌رایت)، اقتصادی پر مخاطره، ناپایدار و شکننده است که توان ایجاد حاشیه امن شغلی و جذب پایدار نیروهای جوان را کم می‌کند. در نگاهی کلان و راهبردی به آسیب‌شناسی‌های صورت گرفته، آشکار می‌شود که گره توسعه هنرستان‌های هنری و تحقق نیافتن اهداف مقرر در **قانون برنامه هفتم پیشرفت**، صرفاً ناشی از «کمبود اعتبارات مالی» یا «فقدان فضاها و فیزیکی» نیست. در واقع، هم‌افزایی بازدارنده شبکه‌ای از عوامل - شامل «تشتت در حکمرانی و ناهماهنگی میان دستگاهی»، «موانع دیوان سالارانه در اقتصاد آموزش و عدم جلب مشارکت بخش خصوصی»، «نبود انعطاف قوانین استخدامی در جذب نخبگان مهارتی» و از همه مهم‌تر، «بروز چهار گسست پیاپی در زنجیره ارزش نیروی انسانی (از نقطه هدایت تحصیلی تا سد کنکور، وقفه نظام وظیفه و خلأ نظام صلاحیت حرفه‌ای)» - موجب شده‌اند تا چرخ دنده‌های نظام آموزش رسمی با مختصات و نیازهای واقعی بازار کار در صنایع فرهنگی و خلاق، پیوندی پویا و بوم‌پایه برقرار نکنند. عبور از این کلاف درهم‌تنیده ساختاری، مستلزم تغییر ریل سیاستگذاری از رویکرد انفعالی «توسعه کالبدی و تصدی‌گری دولتی» به سمت طراحی و اعمال «مداخلات هوشمند تنظیم‌گرانه، تسهیل‌گرانه و تقنینی» است. بر همین اساس، در بخش پایانی گزارش، بسته‌ای منسجم از راهکارها برای رفع چالش‌ها و موانع مذکور ارائه خواهد شد.

۷. جمع‌بندی و ارائه راهکارهای سیاستی و تقنینی

بررسی جامع سیمای وضعیت موجود و تحلیل الزامات تحقق ماده (۷۴) **قانون برنامه هفتم پیشرفت**، نشان می‌دهد که نظام آموزش هنر و صنایع فرهنگی و خلاق کشور در یک مقطع حساس گذار قرار دارد. تکالیف راهبردی قانونگذار مبنی بر رشد متوسط سالیانه ۷ درصدی جمعیت کل هنرجویان هنر و جهش ۲۵ درصدی در رشته راهبردی پویانمایی (به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای تولید ۷۳۰۰ ساعت محتوای پویانمایی)، با موانع متعددی در ساختار فعلی روبه‌روست. همان گونه که در کالبدشکافی وضعیت موجود تبیین شد، هم‌افزایی چهار کلان‌چالش «تشتت در حکمرانی دستگاهی»، «موانع دیوان سالارانه در اقتصاد آموزش و ضعف توجیه مشارکت خصوصی»، «عدم انعطاف قوانین در تأمین و نگهداشت نیروی متخصص» و در نهایت «گسست‌های پیاپی در زنجیره ارزش (از هدایت تحصیلی و سد کنکور تا وقفه نظام وظیفه و خلأ صلاحیت حرفه‌ای)»، تحقق این اهداف را صرفاً با اتکا به توسعه کالبدی و رویکردهای انفعالی و سنتی غیرممکن ساخته است. عبور از این موانع، مستلزم تغییر رویکرد از «تصدی‌گری صرف» به اعمال «مداخلات هوشمند تنظیم‌گرانه و تسهیل‌گرانه» است. بر این اساس و به‌منظور گره‌گشایی از چالش‌های احصا شده در زیست‌بوم آموزش هنر، در ادامه بسته‌ای منسجم و عملیاتی از راهکارها در سه سطح «تقنینی و بودجه‌ای»، «سیاستی و اجرایی» و «نظارتی» پیشنهاد می‌شود.

۷-۱. راهکارهای تقنینی

تحقق رشد جهشی در آموزش هنر و جبران عقب‌ماندگی‌های زیرساختی، با تکیه صرف بر قوانین فعلی امکان‌پذیر نیست. مجلس شورای اسلامی می‌تواند از طریق تنظیم بودجه‌های سنواتی و اصلاح برخی قوانین و مقررات مربوطه، زمینه‌ساز رفع موانع اقتصادی و استخدامی این حوزه باشد: **الف) هدفمندسازی و صیانت از اعتبارات «برون‌سپاری مهارتی» با تأکید بر رشته‌های راهبردی:** به‌منظور هدایت ظرفیت قانونی موجود در ردیف بودجه‌ای «برون‌سپاری در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش» (شماره طبقه‌بندی: ۱۲۷۵۹۳) به سمت تحقق اهداف رشد هنرجویان در ماده (۷۴) برنامه هفتم پیشرفت، سازوکارهای تقنینی و اجرایی زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱) **نشان‌دار کردن سهم صنایع فرهنگی و خلاق در موافقت‌نامه‌های بودجه‌ای:** سازمان برنامه و بودجه کشور موظف است در زمان

مبادله موافقت نامه های شرح عملیات با وزارت آموزش و پرورش، تخصیص درصد مشخصی از کل اعتبارات ردیف «برون سپاری در آموزش های فنی و حرفه ای و کار دانش» (شماره طبقه بندی: ۱۲۷۵۹۳) را، که میزان آن هر ساله براساس نیازسنجی و پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش تعیین می شود، منحصرأ برای خرید خدمات در رشته های راهبردی صنایع فرهنگی و خلاق (به ویژه پویانمایی)، نشان دار و الزام آور کند.

۲) درج تبصره «سرانه متمایز مهارتی» و عبور از تعرفه های خدماتی: وزارت آموزش و پرورش مکلف است در تدوین ضوابط مالی، تعرفه خرید خدمات در رشته های فناوری محور و راهبردی در حوزه هنرهای رقصی را از شمول تعرفه های عمومی مستثنا سازد. سرانه پرداختی به استودیوهای میزبان، باید مبتنی بر «قیمت تمام شده استهلاک سخت افزارها و دستمزد استادان خبره بازار کار» متناسب سازی شود.

۳) لغو انحصار اداری (بوروکراتیک) و مجوز عقد قرارداد با زیست بوم خلاق و نوآوری: شورای عالی آموزش و پرورش مکلف است شیوه نامه و دستورالعمل های مربوط به برون سپاری آموزش های مهارتی را به گونه ای اصلاح کند که ادارات کل مجاز باشند قراردادهای برون سپاری را به طور مستقیم با استودیوهای تولیدی، خانه های خلاق و شرکت های دانش بنیان دارای تأییدیه از دستگاه های دولتی و حاکمیتی (نظیر معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری) منعقد کنند و شرط داشتن «مجوز آموزشگاه آزاد» برای این شرکت های میزبان لغو شود.

ب) طراحی بسته تشویقی «مشارکت بخش خصوصی» مبتنی بر اعتبار مالیاتی و تسهیلات زیر ساختی در توسعه هنرستان های جوار صنعت: به منظور ایجاد توجیه اقتصادی برای مشارکت بخش غیردولتی، پیشنهاد می شود احکام تشویقی زیر با همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری و وزارت آموزش و پرورش اجرایی شود:

۱) عملیاتی سازی «اعتبار مالیاتی» برای سرمایه گذاری آموزشی: با استفاده از ظرفیت ماده (۱۱) «[قانون جهش تولید دانش بنیان](#)»، سازمان امور مالیاتی مکلف شود تا معادل ۱۰۰ درصد هزینه کرد شرکت های خلاق، دانش بنیان و استودیوهای تولیدی در «ساخت و تجهیز هنرستان های جوار کارخانه» را به عنوان اعتبار مالیاتی محاسبه، و از مالیات قطعی شده همان سال یا سال های آتی شرکت کسر کند.

۲) معافیت گمرکی و تخصیص تسهیلات فناوری: در راستای اجرای بند «پ» ماده (۷۶) [قانون برنامه هفتم پیشرفت](#)، واردات تجهیزات فوق تخصصی کارگاهی (نظیر ایستگاه های کاری و زیرساخت ها نماپردازی (رندرینگ) و ضبط حرکت (موشن کپچر)) به منظور تجهیز هنرستان ها، از پرداخت حقوق ورودی و گمرکی معاف شود. همچنین صندوق نوآوری و شکوفایی به تخصیص خط اعتباری ویژه (تسهیلات بلندمدت و ارزان قیمت) به شرکت های خلاق متقاضی تأسیس هنرستان های تخصصی موظف شود.

۳) تسهیل واگذاری اراضی آموزشی: الزام وزارت راه و شهرسازی و شهرداری ها به واگذاری حق بهره برداری بلندمدت زمین های دارای کاربری آموزشی (با اجاره بهای ترجیحی و حداقل دیوان سالاری (بوروکراسی)) به استودیوهای متقاضی تأسیس هنرستان و تعاونی های آموزشی هنر، تا سهم هزینه تأمین فضا از سبد هزینه های سرمایه گذار حذف شود.

ج) اصلاح مقررات استهلاک اموال تخصصی با ایجاد سازوکار چابک نوسازی و تها تر تجهیزات فناورانه: به منظور رفع مانع حقوقی ماده (۱۱۲) [قانون محاسبات عمومی کشور](#) در مسیر نوسازی کارگاه ها، پیشنهاد می شود حکم زیر به «قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت» افزوده شود:

به منظور چابک‌سازی فرایند به‌روزرسانی کارگاه‌های فناوری محور هنر، رسانه و صنایع خلاق در هنرستان‌های دولتی و وابسته، فروش تجهیزات پردازشی، رایانه‌ای و رقومی این کارگاه‌ها پس از پایان عمر مفید قانونی (طبق بخشنامه مصوب جدول استهلاکات موضوع ماده (۱۴۹) قانون مالیات‌های مستقیم)، از شمول الزام واریز وجوه به حساب درآمد عمومی کشور (موضوع ماده (۱۱۲) قانون محاسبات عمومی) مستثنا می‌شود. وزارت آموزش و پرورش و دستگاه‌های اجرایی متولی هنرستان‌های وابسته مجازند از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان، کنسرسیوم‌های تولیدی یا دیگر مراجع مورد تأیید سازمان برنامه و بودجه، نسبت به فروش مستقیم یا تهاتر این تجهیزات اقدام نموده و صد درصد (۱۰۰٪) درآمدهای حاصله را به‌عنوان درآمد اختصاصی، مستقیماً و منحصرأ صرف خرید و جایگزینی نسل جدید همان سخت‌افزارها برای همان هنرستان نمایند.

د) ایجاد استثنای ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری جهت استخدام فارغ‌التحصیلان مهارتی: به منظور مانع‌زدایی از استخدام فارغ‌التحصیلان مهارتی در زیست‌بوم آموزش هنر، پیشنهاد می‌شود تبصره زیر به ماده (۴۲) [قانون مدیریت خدمات کشوری](#)، الحاق شود:

تبصره «۶» (الحاقی) ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری: به کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) این قانون اجازه داده می‌شود در مشاغل فنی، کارگاهی، مهارتی و استادکاری که ماهیت عملی و کاربردی دارند، «دیپلم رسمی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش» و یا «گواهی نامه‌های معتبر صلاحیت حرفه‌ای» نظام آموزش مهارتی را مشروط به سنجش عملی مهارت‌ها و ارائه نمونه کار معتبر، به‌عنوان شرط جایگزین مدرک تحصیلی دانشگاهی (موضوع بند «و» این ماده) ملاک عمل قرار دهند. آیین‌نامه اجرایی این تبصره شامل نحوه احراز صلاحیت‌های مهارتی و تعیین رشته‌ها و عناوین مشاغل مشمول در حوزه‌های مختلف (صنعت، خدمات، کشاورزی و هنر)، ظرف مدت ۶ ماه به پیشنهاد مشترک سازمان اداری و استخدامی کشور، وزارت آموزش و پرورش و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ه) استقرار الگوی «استادکار مهارتی دوشغله» با ایجاد استثنای مواد (۱۷) و (۴۷) قانون مدیریت خدمات کشوری: ایجاد یک الگوی انعطاف‌پذیر تحت عنوان «قرارداد خرید خدمات مهارتی ساعتی/پودمانی از اشخاص حقیقی» می‌تواند بدون ایجاد بار مالی بلندمدت و تعهد استخدامی برای دولت، اجازه جذب نخبگان صنعت را با تعرفه رقابتی بازار فراهم کند. بدین منظور، تبصره زیر جهت الحاق به ماده (۴۷) [قانون مدیریت خدمات کشوری](#) با اصلاح [قانون برنامه هفتم پیشرفت](#) پیشنهاد می‌شود:

تبصره الحاقی به ماده (۴۷) قانون مدیریت خدمات کشوری: به وزارت آموزش و پرورش و دستگاه‌های اجرایی اداره‌کننده هنرستان‌های وابسته اجازه داده می‌شود به منظور تأمین نیروی انسانی تخصصی، مهارتی و کارگاهی خود در کلیه رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش، با استثنای نمودن این حوزه از مفاد ماده (۴۷) و فرایندهای برون‌سپاری شرکتی موضوع ماده (۱۷) این قانون، نسبت به به‌کارگیری نخبگان، هنرمندان، صنعتگران و متخصصان شاغل در بخش غیردولتی تحت عنوان «استادکار مهارتی دوشغله» اقدام نمایند. این به‌کارگیری صرفاً در قالب قراردادهای پاره‌وقت سالیانه خرید خدمات مهارتی (ساعتی یا پودمانی) با اشخاص حقیقی و تعرفه متمایز رقابتی بوده و هیچ‌گونه حق استخدام رسمی، بیمانی یا کار معین برای نام‌برداران در دستگاه اجرایی ایجاد نخواهد کرد. آیین‌نامه اجرایی این بند شامل سقف ساعات تدریس، نحوه احراز صلاحیت فنی براساس نمونه کار عملی و دستورالعمل نظام پرداخت (جبران خدمات خارج از تعرفه‌های عمومی حق التدریس)، ظرف مدت ۶ ماه به پیشنهاد مشترک وزارت آموزش و پرورش، سازمان اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه کشور به تصویب شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی می‌رسد.

۷-۲. راهکارهای سیاستی و اجرایی

این دسته از راهکارها نیازمند قانونگذاری جدید در مجلس شورای اسلامی نیستند، بلکه از طریق مصوبات هیئت دولت، شورای عالی آموزش و پرورش و دیگر نهادها و شوراهای ذیصلاح و نیز اعمال تنظیمگری میان دستگاهی قابل تحقق اند و به طور مستقیم دستگاه های متولی راه هدف قرار می دهند:

الف) تمرکز راهبری و تقسیم کار ملی در آموزش هنر با فعال سازی «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی»:

یکی از موانع اصلی در مسیر توسعه کمی و کیفی هنرستان های هنری، تشتت نهادی، موازی کاری و در برخی موارد، رقابت فرسایشی میان دستگاه های متولی (وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و حوزه هنری) است. در حالی که حل این گسست نیازمند یک «پنجره واحد فرادستگاهی» است، تأسیس کارگروه ها یا شوراهای جدید، صرفاً به تورم ساختاری و افزایش موازی کاری ها می انجامد. از آنجا که قانونگذار پیش تر «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی» را دقیقاً با هدف هماهنگی و تنظیمگری در همین عرصه تأسیس کرده است، رفع خلأ حکمرانی به خصوص در «اقتصاد آموزش هنر» نیازمند فعال سازی ظرفیت های این شورا در زیست بوم صنایع فرهنگی و خلاق است. به منظور یکپارچه سازی حکمرانی آموزش هنر و بهره وری حداکثری از زیرساخت های موجود (بدون ایجاد ساختارهای جدید یا زائد)، پیشنهاد می شود مأموریت های زیر در دستور کار این شورای عالی قرار گیرد:

● **تدوین و ابلاغ «نظام نامه تقسیم کار ملی آموزش هنر»:** شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی مکلف است با بهره گیری از ظرفیت های تخصصی «شورای هنر»^۱ (ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی) و «فرهنگستان هنر» (به استناد به بندهای «۱» و «۱۰» ماده (۲) اساسنامه خود) به عنوان بازوهای مشورتی و دیده بان علمی، «نظام نامه تقسیم کار ملی در تأسیس و راهبری هنرستان های هنری تخصصی» را تدوین و به دستگاه های اجرایی ابلاغ کند. در این نظام نامه، مأموریت توسعه هر رشته باید منحصراً مبتنی بر «مزیت نسبی» دستگاه ها توزیع شود (به عنوان نمونه: راهبری ملی هنرستان های پویانمایی و هنرهای رقصی به سازمان صدا و سیما و راهبری هنرهای تجسمی/نمایشی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری محول شود).

● **الزام به اجرای «پیمان اشتراک گذاری زیرساخت ها»:** به منظور جلوگیری از هدررفت منابع ملی و خریدهای موازی تجهیزات گران قیمت در هنرستان های دولتی، لازم است شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی دستگاه های دولتی و حاکمیتی متولی را به عقد «تفاهم نامه های اشتراک گذاری منابع کارگاهی» مکلف کند. با ابلاغ این مصوبه، وزارت آموزش و پرورش مجاز خواهد بود از ظرفیت های خالی و تجهیزات دستگاه های دیگر (نظیر استودیوهای سازمان صدا و سیما، فضاهای تمرین (پلاتو) حوزه هنری و کارگاه های تخصصی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) برای آموزش کارگاهی و عملی هنرجویان خود استفاده کند.

● **سامان دهی اقتصاد هنرستان های وابسته:** شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی به عنوان بالاترین نهاد ناظر بر آموزش های مهارتی، وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه را ملزم سازد تا سازوکار شفاف برای واریز مستقیم «سرانه آموزشی دانش آموزان و سهم تجهیزات کارگاهی» به حساب هنرستان های تخصصی وابسته به سایر دستگاه ها طراحی و عملیاتی کند. این اقدام کمک می کند که پایداری مالی این مراکز حفظ شود و بار مالی آموزش رسمی کشور، به طور یک جانبه بر دوش دستگاه های بهره بردار فرهنگی (نظیر صدا و سیما یا حوزه هنری) تحمیل نشود.

ب) ایجاد مسیر جایگزین در «طرح طبقه بندی مشاغل معلمان» جهت جذب کادر رسمی نخبگانی: در حالی که راهکار مربوط به «الگوی استادکار دوشغله» ناظر به رفع موانع جذب «مدرسان پاره وقت و مدعو» از بازار کار بود، نظام آموزشی برای مدیریت مستمر کارگاه ها،

۱. متشکل از ۱۱ عضو حقوقی و حقیقی که احکام آنان توسط رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی صادر می شود. این اعضا عبارت اند از: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس شورا)، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی (یا نماینده وی)، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (یا معاون آموزشی/فرهنگی)، وزیر آموزش و پرورش (یا معاون ذی ربط)، رئیس سازمان صدا و سیما (یا معاون ذی ربط)، رئیس دانشگاه هنر، دبیر شورای هنر (به عنوان عضو و دبیر شورا) و نیز چهار نفر از شخصیت های برجسته و صاحب نظر هنری (حداقل دو نفر از اعضای پیوسته فرهنگستان هنر) که با پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب می شوند.

سرپرستی بخش‌های تخصصی و تضمین پایداری چارچوب تعلیم و تربیت، نیازمند یک «هسته مرکزی از هنرآموزان تمام‌وقت و رسمی» است. در همین راستا، متن مصوبه زیر ناظر به «طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان» به‌منظور تصویب در شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی (به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش) ارائه می‌شود:

«ضوابط اختصاصی جذب نخبگان مهارتی در طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان»

ماده واحد: در اجرای سیاست‌های کلی اشتغال و به‌منظور تأمین نیروی آموزشی، کارگاهی و تخصصی مجرب در کلیه هنرستان‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش، شرایط احراز مشاغل در رسته‌های «هنرآموز» و «استادکار» (در تمامی زمینه‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و هنر) در طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان کشور (مصوب ۱۴۰۰) به شرح زیر اصلاح و تکمیل می‌شود:

در خصوص مشاغل دارای ماهیت عملی و مهارتی، لزوم تطابق عینی و انحصاری رشته تحصیلی داوطلبان با مدارک دانشگاهی نظری مندرج در شرایط احراز مشاغل این طرح، الزامی نمی‌باشد. وزارت آموزش و پرورش مجاز است نخبگان مهارتی، صنعتگران، کشاورزان پیشرو، متخصصان خدمات و هنرمندان برجسته را که فاقد مدارک دانشگاهی مصوب در جداول طرح طبقه‌بندی مشاغل معلمان می‌باشند، مشروط به موفقیت در «آزمونی تخصصی و آزمون عملی تدریس» و «بررسی کارنامه حرفه‌ای (پورتفولیو)»، با ارائه یکی از مستندات ذیل جهت تصدی جایگاه‌های هنرآموزی و استادکاری به‌صورت رسمی جذب نماید:

الف) داشتن «تأییدیه نخبگی و سرآمدی مهارتی/فناورانه» صادره از بنیاد ملی نخبگان و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری.

ب) دارا بودن گواهی‌نامه‌های سطح عالی «چارچوب صلاحیت حرفه‌ای ملی» صادره از نهادهای متولی (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط).

پ) داشتن نشان‌ها، درجات عالی و گواهی‌های معتبر استادکاری صادره از مراجع رسمی، اصناف و اتحادیه‌های قانونی کشوری (نظیر نشان عالی هنری، تأییدیه‌های نظام‌مهندسی کشاورزی/معدن/ساختمان و گواهی‌نامه‌های خبرگی اصناف تخصصی).

تبصره «۱»: چگونگی هم‌ترازی مستندات و گواهی‌نامه‌های مهارتی فوق با مقاطع تحصیلی رسمی (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) به‌منظور تعیین طبقه، رتبه شغلی و تخصیص امتیازات حق‌الشغل، ظرف مدت سه ماه طی دستورالعملی به پیشنهاد مشترک وزارت آموزش و پرورش، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان اداری و استخدامی کشور تدوین و ابلاغ می‌شود.

تبصره «۲»: استخدام شدگان از طریق این سازوکار، منحصراً موظف به تدریس پودمان‌های تخصصی و مدیریت کارگاه‌ها در هنرستان‌های مهارتی بوده و هرگونه انتقال یا مأموریت آنان به بخش‌های ستادی، اداری و یا تدریس در مدارس شاخه نظری (متوسطه اول و دوم) ممنوع است.

ج) بازطراحی نظام هدایت تحصیلی و تغییر انگاره‌های مقطع ورودی بر مبنای «کشش بازار» و «استعدادسنجی»: پیشنهاد می‌شود شورای عالی آموزش و پرورش، «آیین‌نامه هدایت تحصیلی دانش‌آموزان» را با فاصله گرفتن از «معدل‌گرایی صرف» و تمرکز بر «سنجش عملی خلاقیت» و «اتصال به نیاز بازار»، به شرح زیر اصلاح و تکمیل کند:

ماده واحد: به منظور تدقیق شاخص های سنجش، لحاظ تناسب با نیازهای بازار کار و نیز ممنوعیت هدایت سرریزی، دو تبصره زیر به ماده (۳) آیین نامه هدایت تحصیلی دانش آموزان الحاق می شوند:

تبصره «۳» (الحاقی): در خصوص هدایت تحصیلی به زمینه ها و رشته های تخصصی، هنری و فناوری محور هنرستان ها، شاخص «سنجش عملی، ارزیابی خلاقیت و بررسی نمونه کارهای اولیه (پورتفولیو)» جایگزین نمرات دروس نظری غیر مرتبط در شاخص عملکرد تحصیلی می شود. وزارت آموزش و پرورش موظف است سازو کار اجرایی این سنجش عملی را با بهره گیری از ظرفیت اصناف تخصصی، اساتید بازار کار و هنرآموزان هنرستان ها، در شیوه نامه اجرایی هدایت تحصیلی تدوین و اعمال نماید.

تبصره «۴» (الحاقی): تعیین ظرفیت پذیرش و ثبت نام در هنرستان های تخصصی، وابسته و جوار کارخانه در کلیه رشته های مهارتی و هنری، منوط به ارائه «پیوست آمایش سرزمینی و نیازسنجی تقاضای بازار کار» (مبتنی بر داده های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دیگر نهادهای متولی اقتصاد فرهنگ شامل معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت صنعت، معدن و تجارت) می باشد. همچنین، هدایت تحصیلی سرریزی و ثبت نام اجباری دانش آموزان فاقد حدنصاب امتیازات مهارتی و عملی در این رشته ها (صرفاً با هدف تکمیل ظرفیت کلاس ها) مطلقاً ممنوع است.

د) فعال سازی مأموریت مغفول مانده سمپاد و تأسیس «هنرستان های استعداد های درخشان (سمپاد مهارتی)»: باتوجه به ماهیت پیچیده، فناوری محور و دانش بنیان هنر - صنعت هایی نظیر پویانمایی و بازی های رقومی که توسعه آنها نیازمند جذب استعداد های تراز اول، خلاقیت بالا و تسلط بر فناوری های نرم است، به منظور استفاده از ظرفیت مدارس سمپاد، حکم زیر در قالب ماده واحد یا جهت الحاق به [قانون برنامه هفتم پیشرفت](#) (در صورت اصلاح) پیشنهاد می شود:

در اجرای تکالیف مقرر در ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت و همچنین در راستای تحقق بند «۴» ماده (۳) اساسنامه سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان، وزارت آموزش و پرورش (سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان) مکلف است با همکاری معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری، ظرف مدت حداکثر ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون، «آیین نامه تأسیس، جذب، نگهداشت و هدایت تحصیلی - شغلی دانش آموزان در هنرستان های هنری استعداد های درخشان (سمپاد مهارتی)» را با اولویت ایجاد قطب های آموزشی - مهارتی در رشته های پویانمایی، هنر های رقومی و فناوری های نرم، تدوین نموده و به تصویب هیئت امنای سازمان مذکور برساند.

بدین ترتیب، ورود ویزند «سمپاد» به زیست بوم آموزش های مهارتی اقتصاد فرهنگ، نه فقط شبکه ای از نخبگان را برای راهبری آینده صنایع خلاق و حکمرانی فرهنگی کشور تربیت می کند، بلکه با ارتقای چشمگیر منزلت اجتماعی هنرستان ها در نگاه خانواده ها، پدیده مخرب نگاه تقلیل گرایانه به اقتصاد هنر را در نظام آموزشی تعدیل خواهد کرد.

ه) متناسب سازی سازو کار های سنجش و پذیرش آموزش عالی در گروه هنر مبتنی بر «تنوع بخشی به ابزار های احراز صلاحیت»: متناسب سازی مسیر ارتقای تحصیلی هنر جوین هنری مستلزم حرکت به سمت «استاندارد سازی سوابق مهارتی در مبدأ»، «ترکیب متوازن سنجش علمی و عملی» در فرایند پذیرش و هدایت استعداد های واقعی به رشته های هنری در مقطع آموزش عالی (با لحاظ یکپارچگی نظام سنجش) است. از این رو، پیشنهاد می شود «شورای سنجش و پذیرش دانشجو» (موضوع ماده (۲) [قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی کشور](#) (مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۰ مجلس شورای اسلامی)) و وزارت آموزش و پرورش، با بهره گیری از ظرفیت های مصرح در مصوبه «سیاست ها و ضوابط سامان دهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی»، سیاست ها و اقدامات زیر را ناظر به تکمیل مصوبه مذکور در دستور کار بررسی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار دهند:



۱. تولید و هم‌ترازی سوابق تحصیلی مهارتی (در اجرای مواد (۱) و (۶) مصوبه): وزارت آموزش و پرورش مکلف است تعریف «سابقه تحصیلی» (موضوع ماده (۱) مصوبه) را برای هنرجویان شاخه‌های مهارتی محقق سازد. بدین منظور، برگزاری امتحانات نهایی کشور و استاندارد برای دروس تخصصی هنرستان‌ها برای داوطلبان ورود به دانشگاه الزامی است. سازمان سنجش آموزش کشور موظف است با همکاری وزارت آموزش و پرورش، نسبت به «هم‌ترازی» (موضوع ماده (۶) مصوبه) نمرات این دروس کارگاهی با دروس نظری گروه هنر اقدام نماید تا هنرجویان بتوانند سهم ۶۰ درصدی سابقه تحصیلی خود را متناسب با برنامه درسی خود کسب نمایند.
۲. ارتقای جایگاه آزمون عملی در نمره کل اختصاصی (در اجرای تبصره «۲» ماده (۲) مصوبه): با استناد به تبصره «۲» ماده (۲) مصوبه که برگزاری آزمون عملی یا تشریحی را برای رشته‌های هنری مجاز دانسته است، سازمان سنجش آموزش کشور مکلف است در رشته‌های فناوری محور (نظیر هنرهای رقصی و پویانمایی)، سهم و ضریب «آزمون متمرکز عملی و ارزیابی نمونه کار» را ذیل سهم ۴۰ درصدی «نمره کل آزمون اختصاصی» به تناسب رشته و ظرفیت‌های موجود برای پذیرش افزایش دهد.
۳. تعیین حد نصاب مهارتی توسط مؤسسات پذیرنده (در اجرای ماده (۵) مصوبه): با استناد به ماده (۵) مصوبه، به دانشگاه‌های مأموریت‌گرا و مهارت‌محور (نظیر دانشگاه ملی مهارت و دانشگاه هنر) اجازه داده می‌شود تا در رشته‌محل‌های پرمقتاضی مرتبط با هنرهای رقصی و صنایع فرهنگی و خلاق، یک «حد نصاب (کف نمره) اختصاصی» برای بخش آزمون عملی و مهارتی تعیین نمایند. این حد نصاب پس از تأیید شورای سنجش و پذیرش دانشجو، باید حداقل دو سال قبل از پذیرش دانشجو اعلام عمومی شود.

و) توسعه «امریه مهارتی» و استقرار الگوی «سرباز - ماهر» در تمام رشته‌ها (اصلاح دستورالعمل‌های نظام وظیفه): در راستای جلوگیری از افت مهارت فارغ‌التحصیلان و حفظ زنجیره تولید در تمام رشته‌های مهارتی، مقتضی است مجلس شورای اسلامی (کمیسیون‌های فرهنگی، آموزش و تحقیقات، و امنیت ملی) با تکیه بر ظرفیت اصل (۱۴۷) قانون اساسی و فصل هشتم قانون خدمت وظیفه عمومی (که استفاده دستگاه‌های غیرنظامی از خدمات کارکنان وظیفه را در «امور تولیدی» مجاز می‌داند) [۱۱]، نقشه راه گذار به «سربازی مهارتی» را از ستاد کل نیروهای مسلح مطالبه کند. برای تحقق این هدف ملی، دو گام اجرایی مشخص پیشنهاد می‌شود:

۱) اصلاح دستورالعمل امریه دستگاه‌های دولتی: «دستورالعمل سامان‌دهی امور مشمولین امریه مأمور به دستگاه‌های اجرایی غیرنظامی کشور» (مصوب ۱۳۸۰/۸/۱۳ ستاد کل نیروهای مسلح) بازنگری، و دایره مشمولان آن از انحصار «فارغ‌التحصیلان دانشگاهی» خارج شده و به صراحت «فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های تخصصی، وابسته و جوار صنعت و کارخانه» (در تمام رشته‌های هنری، صنعتی، کشاورزی و خدماتی) رانیز دربرگیرد [۱۱].

۲) توسعه امریه در بخش خصوصی و مراکز خلاق: برای آن دسته از هنرجویانی که باید جذب بخش خصوصی (مانند استودیوهای پویانمایی و بازی‌سازی) شوند، پیشنهاد می‌شود با همکاری «قرارگاه مرکزی مهارت‌آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح» و دستگاه‌های متولی مربوط به حوزه تخصصی (مانند معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری)، الگوی موفق «امریه در شرکت‌های دانش‌بنیان» به فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها تعمیم یابد [۱۱]. در این سازوکار، هنرجویان می‌توانند پس از گذراندن دوره آموزش نظامی، مابقی دوره ضرورت خود را در قالب «سرباز - ماهر» یا «سرباز - فناور» در همان استودیوهای تولیدی، کارگاه‌ها یا هنرستان‌های جوار سپری کنند. به همین منظور، احکام اصلاحی و الحاقی زیر ناظر به «دستورالعمل سامان‌دهی امور مشمولین امریه مأمور به دستگاه‌های اجرایی غیرنظامی کشور» پیشنهاد می‌شوند:

اصلاح مقدمه دستورالعمل (توسعه مفهوم تخصص): متن پیشنهادی جایگزین (زیر عبارات الحاقی خط کشیده شده است):
 «... در این راستا و در اجرای منویات فرماندهی معظم کل قوا، استفاده از ظرفیت‌های قانون خدمت وظیفه عمومی [...] و بهره‌گیری از توانمندی‌های علمی و تخصصی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های تخصصی، وابسته و جوار مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش در جهت افزایش بهره‌وری و ارتقای شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی...».

اصلاح بند «۹» ماده (۵) دستورالعمل (توسعه دایره دستگاه های پذیرنده): متن پیشنهادی جایگزین (زیر عبارات الحاقی خط کشیده شده است): «دستگاه های دولتی، غیر نظامی، صنایع، کارخانجات، شرکت های دانش بنیان و مؤسسات خلاق و فرهنگی: کلیه وزارخانه ها، سازمان ها، بنیادها، مؤسسات دولتی یا هر نهاد مورد تأیید دولت و همچنین کلیه کارخانجات، شرکت های دانش بنیان، خانه های خلاق و استودیوهای تولیدی دارای هنرستان جوار یا وابسته که به تأیید دستگاه های متولی (از جمله وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت، آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری) رسیده و در تبعیت دولت و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی هستند».

الحاق یک تبصره به ماده (۶) دستورالعمل (تعیین سازوکار در خواست و سهمیه): متن الحاقی پیشنهادی: «صنایع، کارخانجات، مؤسسات و نهادهای فرهنگی دارای هنرستان وابسته یا جوار، نیاز خود به فارغ التحصیلان هنرستان های مذکور را براساس شرح وظایف مهارتی و فهرست هنرجویان آموزش دیده، تدوین نموده و حسب مورد به دستگاه دولتی یا حاکمیتی متولی مربوطه (وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان های تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و بسیج مستضعفین و یا معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری) ارسال می نمایند. دستگاه متولی پس از اخذ تأییدیه از وزارت آموزش و پرورش، درخواست مربوطه را جهت بررسی به نماینده دولت ارائه و سپس به ستاد کل نیروهای مسلح ارسال می نماید. سهمیه افراد مدنظر، ذیل سهمیه نیروهای وظیفه «قرارگاه مرکزی مهارت آموزی کارکنان وظیفه نیروهای مسلح» تعریف شده و «سرباز - فناور» های مذکور جهت گذراندن دوران ضرورت، به واحدهای تولیدی و استودیوهای درخواست دهنده مأمور می شوند».

ز) استقرار چارچوب صلاحیت حرفه ای ملی در زیست بوم صنایع فرهنگی و خلاق با محوریت ارزیابی «نمونه کار»: برای ایجاد پلی شفاف میان «آموزش» و «بازار کار»، پیشنهاد می شود متن پیش نویس مصوبه زیر در دستور کار بررسی «شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی» (موضوع ماده (۶) **قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی**) قرار گیرد:

«استقرار نظام شایسته سنجی و چارچوب صلاحیت حرفه ای مشاغل زمینه هنر و صنایع فرهنگی و خلاق»

(جهت تصویب در شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی)

به منظور رفع موانع اشتغال هنرجویان مهارتی، اتصال آموزش به تقاضای واقعی بازار کار و ایجاد شفافیت در اقتصاد صنایع فرهنگی و خلاق، دبیرخانه شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی مکلف است با استفاده از ظرفیت دستگاه های مجری (وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری) و تشکلهای صنفی معتبر مربوطه، اقدامات زیر را عملیاتی و بر حسن اجرای آن نظارت نماید:

ماده (۱): «کارگروه تخصصی صلاحیت حرفه ای» (موضوع ماده (۸) آیین نامه اجرایی قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی) موظف است ظرف مدت سه ماه، استانداردهای آموزشی و شایستگی حرفه ها و مشاغل زیست بوم هنر، رسانه و صنایع فرهنگی و خلاق (با اولویت هنرهای رقصی) را مبتنی بر «سطوح هشت گانه صلاحیت حرفه ای ملی» (موضوع ماده (۸) قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی) تدوین و جهت تصویب به شورای عالی ارائه نماید.

ماده (۲): در راستای اجرای ماده (۹) قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی و ماده (۱۰) آیین نامه اجرایی آن، «کارگروه تخصصی نظارت و سنجش» موظف است الگوی سنجش در رشته های زمینه هنر و صنایع فرهنگی و خلاق را بازطراحی نماید. در این الگو، «مراکز سنجش» وابسته به شورای عالی مکلف اند فرایند سنجش شایستگی را به «نظام های حرفه ای و انجمن های صنفی تخصصی» واگذار نموده و صدور مدارک صلاحیت حرفه ای را منحصرأ بر پایه «ارزیابی نمونه کارهای عملی (پورتفولیو)» و



«آزمون‌های کارگاهی» استوار سازند.

ماده (۳): اتصال گواهینامه‌های هنری به نظامات حمایتی و بازار کار

به‌منظور ایجاد ارزش افزوده اقتصادی برای مدارک صادر شده و تشویق هنرجویان هنرستان‌ها به ورود به بازار کار مولد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سایر دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی مربوطه مکلف‌اند «گواهینامه‌های شایستگی و صلاحیت حرفه‌ای» صادر شده در زمینه هنر و صنایع فرهنگی و خلاق را به‌عنوان مستند رسمی احراز مهارت و صلاحیت، در موارد زیر ملاک عمل قرار دهند:

(الف) پوشش بیمه‌ای هنرمندان آزاد و خویش فرما و نیز فعالان دور کار اقتصاد رقومی در سازمان تأمین اجتماعی؛

(ب) تعیین پایه، رتبه شغلی و کف تعرفه دستمزد در قراردادهای مراکز و استودیوهای تولیدی، شرکت‌های دانش‌بنیان و خلاق و نیز مؤسسات فرهنگی - هنری؛

(ج) اعطای مجوز شرکت در مناقصات و دریافت طرح‌های برون‌سپاری شده تولید محتوا از سوی نهادهای دولتی و عمومی (از جمله سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).

ح) استقرار الگوی «آموزش همراه با تولید» و ارتقای هنرستان‌های پویانمایی به «استودیوهای تولیدی کوچک مقیاس»:

باتوجه به ماهیت طرح (پروژه) محور رشته پویانمایی و تکلیف [قانون برنامه هفتم پیشرفت](#) مبنی بر تولید ۷۳۰۰ ساعت محتوای پویانمایی، محدود ماندن هنرستان‌ها به آموزش‌های صرفاً کارگاهی، به‌دور رفت ظرفیت خلاق نیروی جوان می‌انجامد. به‌منظور اتصال مستقیم آموزش به بازار کار، پیشنهاد می‌شود الگوی «آموزش همراه با تولید» از طریق سیاست‌های زیر عملیاتی شود:

۱) تخصیص سهمیه حمایتی از سبد تولیدات ملی: نهادهای حاکمیتی و دولتی متولی تولید محتوای پویانمایی (نظیر بنیاد ملی پویانمایی ایران، مرکز کودک و نوجوان سازمان صدا و سیما، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز نوجوان و کودک سازمان هنری رسانه‌ای اوج، حوزه هنری و مجتمع مهوا) مکلف شوند سالیانه درصد مشخصی از بودجه تولیدات کوتاه، میان پرده‌ها (میان برنامه‌ها) و مجموعه‌های پویانمایی خود را در قالب «برون‌سپاری حمایتی»، به تولیدات باکیفیت استودیوهای مستقر در هنرستان‌های دارای رشته پویانمایی اختصاص دهند.

۲) راه‌اندازی سکوی جذب سرمایه و رقابت‌های تولیدی: نهادهای متولی مذکور با همکاری وزارت آموزش و پرورش، با عبور از جشنواره‌های مرسوم دانش‌آموزی، رویدادهای رقابتی «جذب سرمایه و طرح (پیچینگ)» برگزار کنند. در این رویدادها، تیم‌های تولیدی هنرستان‌ها ایده‌ها و طرح‌های خود را به مدیران نهادهای سرمایه‌گذار (مانند سازمان صدا و سیما، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حوزه هنری و سکوی نمایش خانگی) ارائه دهند و برای ساخت اثر خود، اعتبار تولید (گرننت) دریافت کنند.

۳) احیا و تسهیل سازوکار «درآمدهای اختصاصی» برای هنرستان‌ها: وزارت آموزش و پرورش موظف است سازوکار حقوقی توزیع درآمدهای حاصل از فروش محصولات هنرستان‌ها (موضوع تبصره «۷۵» قانون بودجه سال ۱۳۶۲ و اصلاحات بعدی آن در خصوص درآمدهای اختصاصی هنرستان‌ها) را به‌گونه‌ای چابک‌سازی کند که درآمد حاصل از قراردادهای تولیدی، به‌طور مستقیم و بدون درگیری با دیوان سالاری (بوروکراسی) خزانه‌داری کل کشور، به‌منظور «پرداخت دستمزد به هنرآموزان و هنرجویان تولیدکننده» و «تجهیز و نوسازی همان هنرستان» بازگردانده شود.

۳-۷. راهکارهای نظارتی

تصویب قوانین و تخصیص بودجه، بدون وجود اهرم‌های نظارتی کارآمد، تضمینی برای تحقق اهداف برنامه هفتم پیشرفت نخواهد بود. مجلس شورای اسلامی (به‌ویژه کمیسیون‌های فرهنگی و آموزش، تحقیقات و فناوری) باید با تغییر شاخص‌های ارزیابی، نظارت مستمری بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی در توسعه هنرستان‌ها اعمال کند:

الف) اصلاح شاخص نظارتی مجلس از «توسعه کمی» به «توسعه شبکه های مبتنی بر اقتصاد رقومی و آمایش سرزمینی»: باتوجه به ماهیت اقتصاد هنرهای رقومی و پویانمایی که به شدت مبتنی بر «دور کاری و آزاد کاری (فریلنسری)» و «تیم های غیر متمرکز» است، مجاورت جغرافیایی با مراکز تولید یا استودیو، دیگر شرط لازم و ضروری اشتغال نیست. بنابراین، منطق اقتصاد آموزش در چنین شرایطی ایجاب می کند که توسعه این رشته ها از طریق مدل «شبکه قطب و اقماری» و با تکیه بر زیرساخت های اشتراکی و ابری صورت پذیرد. به منظور استقرار این نگاه، مقتضی است کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی (فرهنگی و آموزش، تحقیقات و فناوری) و بازوهای نظارتی مربوطه، رویکرد ارزیابی عملکرد دستگاه های متولی را به این شرح تغییر دهند:

● **الزام به ارائه «پیوست توسعه شبکه ای و دور کاری» در گزارش های عملکرد:** کمیسیون های تخصصی مجلس وزارت آموزش و پرورش را مکلف کنند تا در گزارش های دوره ای خود، به جای صرفاً ارائه آمارهای فیزیکی و کالبدی نظیر «تعداد کلاس های ساخته شده» یا «هنرستان های تأسیس شده»، شاخص های کیفی ترکیبی زیر را نیز ملاک گزارش دهی قرار دهد:

۱) **توسعه قطب های مرکزی:** میزان تمرکز سرمایه گذاری های سنگین سخت افزاری (مزرعه نماپردازی (رندرینگ)، استودیوهای ضبط حرکت (موشن کپچر) و کارگاه های تخصصی و پیشرفته) در خوشه های صنعتی و استان های دارای کشش بازار؛

۲) **توسعه اقماری عادلانه (مناطق حاشیه ای):** میزان راه اندازی «هسته های کوچک استعدادیابی» در مناطق کمبرخوردار و شاخص «اتصال هنرجویان حاشیه ای به زیرساخت های ابری و طرح های دور کاری» (ارزیابی اینکه دستگاه متولی تا چه حد توانسته است به جای خرید سخت افزارهای گران برای مناطق کمبرخوردار، پهنای باند و دسترسی اشتراکی به قطب های مرکزی را برای آنان فراهم کند).

● **تغییر رویکرد حسابرسی دیوان محاسبات کشور (صیانت از اعتبارات تملک دارایی ها):** دیوان محاسبات کشور موظف است در فرایند تفریغ بودجه و حسابرسی عملکرد «اعتبارات تجهیزاتی و عمرانی» هنرستان های تخصصی، اصل «بهره وری شبکه ای» را ارزیابی کند. ناظران دیوان باید انطباق تخصیص بودجه را با مدل آمایش سرزمینی بررسی و دو شاخص را به عنوان انحراف بودجه ای گزارش کنند؛ نخست، توزیع مساوات طلبانه و خرد اعتبارات کارگاهی سنگین در مناطق فاقد توجیه اقتصادی؛ و دوم، فقدان تخصیص یارانه های مهارتی (نظیر اینترنت پرسرعت و دسترسی های نرم افزاری) برای استعداد های کشف شده در مناطق کمبرخوردار و حاشیه ای. این امر تضمین می کند که عدالت آموزشی نه از طریق «ساخت بنا و تجهیز زیرساختی»، بلکه از مسیر «اتصال به شبکه ملی تولید محتوا» محقق شود.

ب) صیانت تخصصی و پایش انحراف بودجه ای با تمرکز بر ردیف های «تجهیزات فناوری محور» و «خرید خدمات مهارتی»: در اقتصاد آموزش مهارتی، دو شریان حیاتی برای حفظ کیفیت آموزش وجود دارد؛ نخست، «اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای» (جهت تأمین و نوسازی زیرساخت های پردازی گران قیمت) و دوم، اعتبارات «خرید خدمات آموزشی» (جهت برون سپاری آموزش کارگاهی به استودیوهای خصوصی و استفاده از استادان خبره بازار کار). با این حال، یکی از آسیب های ساختاری در نظام مالی دستگاه های آموزشی، پدیده «جابه جایی اعتبارات» در زمان بروز کسری بودجه است. در این زمینه، دستگاه های متولی در برخی موارد برای جبران کسری هزینه های اجتناب ناپذیر جاری (نظیر پرداخت حقوق، دستمزد و معوقات نیروهای ستادی)، اعتبارات انعطاف پذیر تر نظیر «تجهیزات هنرستانی» و «خرید خدمات» را صرف می کنند و منابع آن را تغییر محل می دهند. این انحراف بودجه ای، به طور مستقیم به محرومیت کارگاه ها از ایستگاه های کاری پردازش تصویر و قطع ارتباط هنرستان ها با استودیوهای بخش خصوصی می انجامد. به منظور مواجهه مؤثر با چنین رویه ای، مقتضی است کمیسیون های «برنامه، بودجه و محاسبات»، «فرهنگی» و «آموزش، تحقیقات و فناوری» با بهره گیری از بازوی نظارتی خود (دیوان محاسبات کشور) اقدامات زیر را در دستور کار قرار دهند:

● **نشان دار کردن اعتبارات تجهیز کارگاهی:** در زمان بررسی و تصویب لوایح بودجه سنواتی، اعتبارات تخصیص یافته برای «تجهیزات کارگاهی هنرهای رقومی و پویانمایی» و همچنین اعتبارات «خرید خدمات آموزشی از استودیوهای بخش خصوصی» را به صورت «اعتبارات نشان دار و غیر قابل جابه جایی» تصویب کند تا هر گونه تغییر محل مصرف این ردیف ها به منظور تأمین هزینه های جاری نیروی انسانی، تخلف قطعی محسوب شود.



● **تغییر رویکرد دیوان محاسبات به «حسابرسی عملکرد»:** دیوان محاسبات کشور مأموریت یابد تا در زمان تدوین گزارش تفریغ بودجه، نظارت خود را از سطح «حسابرسی رعایت (صرف بررسی فاکتورها)» به سطح «حسابرسی عملکرد» ارتقا دهد. در این راستا، می‌توان دو شاخص کلیدی زیر را مبنا قرار داد:

۱) **کیفیت مصرف ردیف تجهیزات:** بررسی اینکه آیا اعتبارات تجهیزاتی هنرستان‌ها، برای خرید «زیرساخت‌های تخصصی پردازشی و مهارتی» صرف شده یا به نام هنرستان، برای خرید اقلام عمومی اداری (میز، صندلی و رایانه‌های ساده ستادی) استفاده شده است.

۲) **اصابت ردیف خرید خدمات به هدف:** رصد دقیق ردیف «خرید خدمات آموزشی» برای اطمینان از اینکه اعتبارات مذکور، دقیقاً در قالب قرارداد با «استودیوهای تولیدی، شرکت‌های دانش‌بنیان و اصناف تأییدشده» هزینه شده باشد و دستگاه متولی، این بودجه را برای تسویه حساب با معلمان حق‌التدریس دروس نظری و عمومی صرف نکرده باشد.

منابع و مأخذ

- [۱] شورای عالی آموزش و پرورش (۱۴۰۵-۱۴۰۴)، «مجموعه جداول مواد درسی و ساعات تدریس هفتگی رشته‌های شاخه فنی و حرفه‌ای و شاخه کار دانش»، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، تهران.
- [۲] پاسخ وزارت آموزش و پرورش به نامه مرکز پژوهش‌های مجلس به نامه شماره ۱۲۷۹۸/۱۳۹۸-۱۶۲۰/۸۲ در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۱.
- [۳] عزیزی، محمد، حجت‌علائی، رعنا کبیری خوش‌صوت و زینب امینی (۱۴۰۳)، «رصد اشتغال دانش‌آموختگان سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ دانشگاه‌های کل کشور»، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران.
- [۴] وزارت آموزش و پرورش. دفتر آموزش‌های فنی حرفه‌ای و کار دانش (۱۴۰۴)، «گزارش توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش بانگاه آمایش سرزمین» (نمایه آماري سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳-۱۴۰۴)، معاونت آموزش متوسطه، تهران.
- [۵] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «سالنامه‌های آماری فرهنگ و هنر» در سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی، تهران.
- [۶] شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی، «سالنامه‌های مهارت ایران» در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲، دبیرخانه شورای عالی آموزش و تربیت فنی، حرفه‌ای و مهارتی، تهران.
- [۷] وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاسخ به نامه مرکز پژوهش‌های مجلس به نامه شماره ۱۲۷۹۸/۱۳۹۸-۱۶۲۰/۸۲ در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۱.
- [۸] حوزه هنری انقلاب اسلامی، پاسخ به نامه مرکز پژوهش‌های مجلس به نامه شماره ۱۲۷۹۸/۱۳۹۸-۱۶۲۰/۸۲ در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۱.
- [۹] هنرستان صدا و سیما، پاسخ به نامه مرکز پژوهش‌های مجلس به نامه شماره ۱۲۷۹۸/۱۳۹۸-۱۶۲۰/۸۲ در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۱.
- [۱۰] سهرابی، حامد (۱۴۰۵)، «ارزیابی روند تولید پویانمایی در کشور: الزامات تحقق اهداف ماده (۷۴) و بند «پ» ماده (۷۶) قانون برنامه هفتم پیشرفت»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، شماره مسلسل ۲۱۴۸۰.
- [۱۱] نوروزیان، صمد و محمدصادق عبداللہی (۱۴۰۴)، «آسیب‌شناسی هنرستان‌های جوار صنعت و کارخانه و ارائه راهکارهای اصلاحی (در راستای اجرایی‌سازی بند «ث» ماده (۸۹) قانون برنامه هفتم پیشرفت)»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، شماره مسلسل ۲۰۹۹۱.
- [۱۲] عبداللہی، محمدصادق (۱۴۰۴)، «بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور (۲۷): وزارت آموزش و پرورش»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، شماره مسلسل ۲۱۲۸۹.

عنوان: الزامات تحقق نرخ رشد سالیانه ۷ درصد تعداد هنرجویان هنرستان‌های هنری (موضوع ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت)

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21784>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11819.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran



گزیده سیاستی

تحقق اهداف برنامه هفتم در آموزش هنر، نیازمند گذار از تصدی‌گری دولتی به مداخلات هوشمند تنظیم‌گرانه است. یکپارچگی نهادی، نشان‌دارسازی اعتبارات برون‌سپاری، مشوق‌های بخش خصوصی و جذب استادکاران مهارتی از الزامات کلیدی این مسیر به شمار می‌آیند.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir